

ادکار المؤمنین

جلد اول



اذکار المفسرین

جلد اول

جلد اول (مجموعه مناجاتهای حضرت بهاء الله)

مجموعه مبارکه مسماة به

# اذکار المقرّبین

گرد آوری از : عبدالحمید اشراق خاوری

لجنة ملی نشر آثار امری  
طبع طهران - ایران

۸ شهرالمسائل ۱۱۰ بدیع  
۲۸ آذر ۱۳۳۲ شمسی / ۱۹ دسامبر ۱۹۵۳ میلادی

---

**Volume 1 (Collected Prayers of Bahá'u'lláh)**

## **Adhkáru'l-Muqarrabín**

**Compiled By: Abdu'l-Hamid Ishraq Khavari**

**National Council of Bahá'í Publishing (of Iran)**

**Tehran – Iran**

**Masáil 8<sup>th</sup> 110 Baha'i Era (B.E.)**

**December 19<sup>th</sup> 1953 A.D.**

توجه : مطالب این قسمت، جزء چاپ اصلی و قدیمی این کتاب نمی باشد و غیر مصوب و غیر رسمی است.

Attention/ Note: The contents of this section are NOT a part of the original edition of this book and it is a provisional copy.

[This page intentionally left blank.]



مجموعه مبارکه محمّاه به

انوار المقریین

جلد اول

حسب الامر محفل مقدس روحانی ملی

بہائیان ایران شیدا اللہ ارکانہ تنظیم کردیدہ

پس از تصویب لجنہ مجلدہ ملی نشریات

امری منتشر شدہ است

لجنہ ملی نشر آثار اموی

طهران - ایران

۸ شہرالمصالح ۱۱۰ بدیع

آذر ۱۳۴۶ شمسن



مجله اول

از کتاب القربین

شامل مناجاتهای صادره از قلم

مقدس جمال قدم جل جلاله که حسب الامر

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران

جمع آوری گردیده و لجنه ملی نشر آثار به

تکثیر آن اقدام فرموده است.

( فهرست مندرجات را در مقدمه ملاحظه

فرمائید )

کتابخانه آستان قدس

تاسیس ۱۳۰۱

تاسیس ۱۳۰۱

تاسیس ۱۳۰۱

خدمت یاران عزیز الهی و ثابتستان بر همد و

میثاق ربانی معروض میدارد.

که این عهد بینوا حسب الامر محفل مقدس

روحانی ملی بهائیان ایران نمیدانند ارکانه

بجمع آوری مناجاتهای مبارکه و تنظیم آن در

سه مجلد اقدام نمود

و چون یاران الهی که مقرب درگاه حق

قدیرند بتلاوت این مناجاتها خواهند

پرداخت این مجموعه را به ( از کار القربین )

موسوم ساختن این اسم که نهایت تناسب را

با مندرجات مبارکه مسمای خود دارد از بیان



مبارك که در ضمن صلوات کبیره از قلم حـق  
مبیع جل جلاله نازل گردیده اعتباس شد  
قره تعالی " سبحانک من ان تصعد السی  
سما " فربک انکار المقربین "

انکار المقربین در سه مجلد تنظیم گردیده  
جلد اول - شامل مناجاتهای است که از  
قلم مبارک جمالقدم جل جلاله صادر شده  
و مشتمل بر چهار فصل است :

فصل اول - مناجاتهای که مناسب است  
در جماع عمومی تلاوت شود .

فصل دوم - مناجاتهای که تلاوت آن در  
حال انفراد و راز و نیاز مناسب است .

فصل سوم - مناجاتهای که مناسبیت دارد  
ناشرین نفحات و مبلغین امرالله تسلاوت  
نمایند .

فصل چهارم - مناجاتهای مخصوص امام  
الرحمن .

مناجاتهای عربی حسب الامر محفل مقدس  
روحانی ملی اعراب گذاری شده است .

مجلد دوم " انکار المقربین شامل مناجات  
های صادره از کک اطهر مرکز میثاق اعز  
ابیس است .

مجلد سوم - شامل مناجاتهای صادره از  
یراعه مقتدره حضرت ولی امرالله غمین ممتاز



ارواحنا لعواطفه الفداء است .

مجلد دوم و سوم نیز حسب الامر محفل مقدس ملی اعراب گذاری شده است و معانی مصطلحه لغات مشکله مندرجه در ضمن مناجاتهای هر سه مجلد در آخر هر جلدی ضمیمه گردیده و لجنه جلیله ملی نشر آثار امری پس از آنکه لجنه جلیله ملی نشریات امریه تکثیر و انتشار این سه مجلد را تصویب فرمودند . بنشر و تکثیر مجلدات ثلاثه اذکار المقربین اقدام نمودند .

طهران - ۱۰۴

۱۳۲۶ اشراق خاوری

فصل اول - مناجاتهای که مناسبست در

مجامع عمومی تلاوت شود . قوله عز بیانه

\* ۱ \* هو الذاکر الناطق المقدر

العلیم الحکیم

سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي لَوْلَا الْبَلَاءُ يَا فِي سَبِيلِكَ

مِنْ أَيْنَ تَظْهَرُ مَقَامَاتُ عَاشِقِيكَ وَلَوْلَا الرِّزَايَا

فِي حَبِيبِكَ يَا سَيِّدِي تَبِينُ شَتُونَ مُشْتَاقِيكَ

وَعِزَّتِكَ أَيُّسَ مَحَبِّبِكَ لَمْ يَوْعِ عِيُونِهِمْ وَمَوَاسِ

مَرِيدِيكَ زَفْرَاتِ قُلُوبِهِمْ وَغَدَاةَ قَاصِدِيكَ قِطْعَاتِ

اِكْبَادِهِمْ وَمَا الَّذِي سَمَّ الرَّدَى فِي سَبِيلِكَ



وما اعزسهم الاعداء لاهل كلمتك يا الهى  
اشرفى فى امرك ما اردته وانزل علوه فى حبك  
ما قدرته وعزمتك ما اريد الامم تريد ولا احب الا  
ما انت تحب توكلت عليك فى كل الاحوال  
استلك يا الهى ان تظهر لنصرة هذا الامر  
من كان قابلا لاسمك وسلطانك ليذكرنى بين  
خلقك ويرفع اعلام نصرك فى مملكك انك انت  
المقدر على ما تشاء لا اله الا انت المهيمين  
القيم سبحانه اللهم يا الهى قو قلوب  
احبابك بقوتك وسلطانك لئلا يخوفهم من

فى ارضك ثم اجملهم يا الهى مشرقين من  
افق عظمتك وطالعين من مطلع اقتدارك  
اي رب زينهم بطراز العدل والانصاف ونور  
قلوبهم بانوار المواهب والالطاف انك انت  
الفرد الواحد العزيز العظيم استلك يا  
مالك القدم وولى العالم ومقصود الامم  
بالاسم الاعظم ان تبديل اريكة الظلم بسير  
عدلك وكرسى الضرور والاعتساف بعير  
الخشوع والانصاف انك فعال لما تشاء و  
انك انت العظيم الخبير



\* ٢ \* هُوَ النَّاطِرُ مِنْ أَفْقِ الْأَهْلِ

قُلِ إِلَهِي إِلَهِي لَكَ الْحَمْدُ بِمَا فَتَحْتَ  
عَلَيَّ وَجُوهَ أَوْلِيَائِكَ أَبْوَابَ الْحِكْمَةِ وَالصِّرَافِ  
وَهَدَيْتَهُمْ إِلَى صِرَاطِكَ وَنَوَّيْتَ قُلُوبَهُمْ بِنُورِ  
مَعْرِفَتِكَ وَعَرَفْتَهُمْ مَا يَفْرِهِمْ إِلَى سَاحَةِ قَدْسِكَ  
أَيُّ رَبِّ اسْتَنْكَ بِالذِّينِ سَرَعُوا إِلَى مَقَرِّ  
الْقَدَاءِ شَوْقًا لِلِقَائِكَ وَمَا مَنَعْتَهُمْ سَطْوَةَ الْأَمْرَاءِ  
مِنَ التَّوَجُّهِ إِلَيْكَ وَالْإِعْتِرَافِ بِمَا أَنْزَلْتَهُ فِي  
كِتَابِكَ ثُمَّ بِالذِّينِ أَقْبَلُوا إِلَى أَفْقِكَ بِأَذْنِكَ  
وَقَامُوا لَدَيْ بَابِ عِظَمَتِكَ وَسَمِعُوا نِدَائَكَ

وَتَشَاهَدُوا أَفْقَ ظَهْرِكَ وَطَافُوا حَوْلَ  
أَرَادَتِكَ أَنْ تَقْدِرَ لِأَوْلِيَائِكَ مَا يُوَيْدُهُمْ  
عَلَى ذِكْرِكَ وَثَنَاتِكَ وَتَبْلِيغِ أَمْرِكَ إِنَّكَ أَنْتَ  
الْمُقَدِّرُ عَلَى مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ  
الرَّحِيمُ .

\* ٣ \* هُوَ الْمَشْرِقُ مِنْ أَفْقِ سَمَاءِ

الْبِرْهَانِ

يَا إِلَهِنَا تَرَانَا مَقْبَلِينَ إِلَيْكَ وَمَتَمَسِّكِينَ  
بِحَبْلِ عِنَايَتِكَ وَالطَّافِكَ وَقَائِمِينَ عَلَى خِدْمَةِ  
أَمْرِكَ وَمُنْتَظَرِينَ بِدَائِعِ جُودِكَ وَفَضْلِكَ



نَسْتَلِكُ بِالَّذِينَ سَرَعُوا إِلَى مَقَرِ الْفِدَاءِ شَوْقًا  
 لِلْقَائِكَ وَجَمَانِكَ وَأَنْفَقُوا أَرْوَاحَهُمْ لِاسْمِكَ وَ  
 حَبِّكَ أَنْ تَقْدِرَ لَنَا مَا يَقْرِنُنَا إِلَيْكَ وَيُورِثُ يَدَنَا  
 عَلَى أَعْمَالٍ أَمَرْتَ تَابِهَا فِي كِتَابِكَ أَيُّ رَبِّ نَحْنُ  
 عِبَادِكَ وَفِي قَبْضَتِكَ وَأَقْبَلْنَا إِلَى أَفْقِ فَضْلِكَ  
 وَبِحُرِّ عَطَائِكَ نَسْتَلِكُ أَنْ لَا تُخَيِّبَنَا عَمَّا أَنْزَلْتَهُ  
 فِي كِتَابِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ الَّذِي لَا تُهْجِرُكَ  
 فِرَاعَةُ الْأَرْضِ وَذُنُوبُهَا قَدْ غَلَبَتْ سُلْطَنَتَكَ  
 وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَنَزَلَتْ آيَاتُكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ  
 الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ .

\* ٤ \*

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي

اسْتَلِكُ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ اشْرَقَتْ  
 شَمْسُ أَمْرِكَ مِنْ أَفْقِ وَحْيِكَ بَلَّغْنَا لَا تَجْعَلْنَا  
 مَحْرُومًا مِنْ نَفْعَاتِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ احْتَرْنَا فِي زَمْرَةٍ  
 مِنْ عِبَائِكَ ثُمَّ أَجْمَلْنَا يَا إِلَهِي خَالِصًا لَوَجْهِكَ  
 وَمُنْقَطِعًا عَمَّا سِوَاكَ ثُمَّ احْتَرْنَا فِي زَمْرَةٍ  
 مِنْ عِبَائِكَ الَّذِينَ مَا مَنَعَتْهُمْ أَنْسَارَاتُ الْبَشَرِيَّةِ  
 مِنَ التَّوَجُّهِ إِلَيْكَ أَنْ تَنْظُرَ الْإِحْدِيَّةَ أَيُّ رَبِّ  
 فَأَدْخَلْنَا فِي ظِلِّ رَحْمَتِكَ الْكَبِيرَى ثُمَّ أَحْفَظْنَا  
 مِنْ عِبَائِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاسْمِكَ الْإِبْهَاسِي



وَأُشْرِينَا زَلَالَ خَصْرٍ مِّنَّا يَتَكَبَّرُ فِي رِجْئِكَ فَضْلِكَ  
 وَالطَّافِكِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ وَإِنَّكَ  
 أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . أَيُّ رَبِّ نَأْتِي سَتَقَمْنَا هَلِي  
 حُبِّكَ بَيْنَ خُلُقِكَ لِأَنَّ هَذَا أَكْبَرُ مَطِيئَتِكَ  
 لِبَرِيَّتِكَ وَإِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .

\* ۵ \* الهما معبودا

عبادت را از ثمره وجود محروم نمسب  
 و از بحر جودت قسمت عطا فرما تویی مقتدری  
 که فوت عالم قوتت را ضعیف ننمود و شوکت  
 امرای ارض ترا از مشیتت باز نداشت از تو

میطلبیم فضل قدیمت را و عنایت جدیدت را  
 تویی فضال و تویی عفا و تویی بخشنده و  
 توانا .

\* ۶ \* الهما معبودا مسجودا مقتدرا

شهادت میدهم که تو بوصف ممکنات  
 معروف نشوی و یاز کار موجودات موصوف  
 نگردی ادراکات عالم و عقول امم بساحت  
 قدست علی ما ینبغی راه نیابد و بی نبرد  
 آیا چه خطا اهل مدینه اسما را از افق  
 اعلایت منح نمود و از تقرب ببحر اعظمت  
 محروم ساخت بگرفت از کتابت ام البیان  
 و یک کلمه از آن موجد امکان چه نا سیاسی



از عبادت ظاهر که کل را از شناسائیت باز  
 داشتی بیکسره از دریای رحمت نار جحیم  
 را بیفسرد و یکجذوه از نار معصیت عالم را بر  
 افروزد ای سلیم اگرچه غافلیم و لکن بکرمست  
 متشبث و اگرچه جاهلیم ببحر علمت متوجه  
 تویی آن جوانی که کثرت خطا ترا از عطا  
 باز ندارد و امراض اهل عالم نعمت را سد  
 نماید باب فضلت لا زال مفتوح بوده شبینی  
 از دریای رحمت کل را بطراز تقدیس مزین  
 فرماید و ریحی از بحر جودت تمام وجود را  
 بغنای حقیقی فائز نماید ای ستار پسرده  
 بومدار لا زال ظهورات کرمت عالم را احاطه

نموده و انوار اسم اعظم بر کل ناپیده عبادت  
 را از بدایع فضلت محروم منما و آگاهی بخش  
 تا بروحد انیتت گواهی دهند و شناسائی  
 ده تا بسویت پشتا بند رحمت ممکنات را  
 احاطه نموده و فضلت کل را اخذ کرده از  
 امواج بحر بخششست بهخور طلب و طمع ظاهر هر  
 چه هستی تویی ما دولت لایقند کره الا بالذخول  
 فی ظلك و انزود فی بساطك در هر حال  
 آموزش قدیمت را میطلبیم و فضل عمیمت را  
 میجوئیم امید چنان که نفسی را از فضلت  
 محروم نسازی و از طراز عدل و انصاف منع  
 ننمائی تویی سلطان کرم و مالک عطا و المہیمن



على من فى الارض والسما

\* ۷ \* الهى معبودا مقصودا كريما رحيم

جانها از تو و اقتدارها در قبضه قدرت

تو هر که را بپند کنى از ملك بگذر نه و بمقام و رفه

مکانا عليا رسد و هر که را بپند ازى از خنياك

پست تر بلكه هيچ از او بهتره پروردگار

با تباه كارى و كناهكارى و عدم پرهيزكارى

مقعد صدق ميطالبيم و لقاءى ملك مقتدر

ميجوئيم امر توست و حكم آن تو و عالم

قدرت زير فرمان تو هر چه كنى عدل صرفست

بل فضل محض يك تجلى از تجليات اسم

رحمانت رسم هصيانرا از جهان براندازد و

محو نمايد و يك نسيم از نسائم يوم ظهورت

عالم را بخلعت تازه مزين فرمايد اى توانا

تا توانانرا توانائى بخش و مردگانرا زندگى

بدها فرما شايد ترا بيايند و بدرىاى آگاهيت

راه يابند و بر امرت مستقيم مانند اگر از لغات

مختلفه عالم حرف ثنائى تو متضوع شود همه

ميسوب جان و مقصود روان چه نازى چه

فارس اگر از آن محرم ماند قابل ذكر نه

چه الفاظ چه معانى اى پروردگار از تو

ميطالبيم كل را راه نمائى و هدايت فرمائى

نوئى قادر و توانا و عالم و بينا



\* ۸ \* پاکا پادشاه

هر آگاهی بر یکتائیت گواهی داده توئی  
آن توانائی که بعهدت وجود را موجود فرمود  
و خطای مباد عطایت را باز نداشت ای  
کریم از مطلع نورت منور نما و از مشرق عنایت  
ثروت حقیقی بخش توئی بخشنده و توانا .

\* ۹ \*

پروردگارا توئی پادشاهی که امرت را  
جلود عالم منع ننمود و سطوت امم از  
افتدارت باز نداشت توئی آن کریمی که  
عصیان اهل امکان ملکوت قفراست را منع ننمود  
رحمت بمنابہ قیمت هاطل بر فاص و مطیع

نازل ای رحیم بندگانت را از دروای بخششت  
منع منما و محروم مساز توئی بخشنده و مهربان  
\* ۱۰ \* الهیا کریمای یکتا خداوند

جودت وجود را هستی بخشد و موجود  
نمود از دروای رحمتت محرومش منما ایمن  
مظلومانرا در ظل سدره عدالت ماوی ده و  
فقیران را بیحر عنایت راه نما توئی مالک  
جود و سلطان عطا .

\* ۱۱ \* الهیا بی نیازا کریمای رحیم

ملکا مالک

همه عباد تواند و از کلمه تو ازهدم بوجود  
آمدند و محترقند بر فقر خود و عنای تو و



جهل خود و علم تو و ضعف خود و اقتدار تو  
 و عجز خود و سلطان تو ای کریم ما را از امطار  
 سما رحمت محروم نما و از امواج بحر کرمت  
 منع مکن این نهالهای وجود بید عنایت  
 تو غرس شده حال وقت ترقی و نمو است و  
 منتظر نیمان عنایت تو و بیخ مکرمت تو بوده  
 و هست از آب " و جعلنا من الماء کل شئی  
 حی " ما را منع نما آثار کرمت از قبل در دانی  
 و قاصص و مطیع و عاصی مشاهده شده و حال  
 موجود و مشهود پس بپرهان ثابت تمد کرمت  
 محدود نبوده و عفو تو توقف نکرده و جودت  
 از موجودات منع نشده در هر حال آثار فضل

پس منتهایت با بصارت عدل و انصاف مشاهده  
 شده و میشود نزد بحر غفران عصیان این  
 عباد مذکور نه و در هر صه ثروت و غنا فقیر  
 و احتیاج این عباد را مقداری نه از بدایع  
 عطایت میطلبیم و دست رجا ببارگاه عظمتت  
 بلند نموده ایم ای غفار از ما بچودت در گذر  
 وای ستار بکرمت ستر نما وای فضال فضل را  
 باز مدار مجرمیم و لکن از تو ایم محروم نمما  
 بعیدیم و لکن بساط قربت را آمل و سائلیم  
 ما را منع مکن توشی راه نما و صاحب عطا لا اله  
 الا انت رب العرش والثری و مالک الآخرة  
 والاولی .



\* ۱۲ \* الهامصبودا ملكا

حمد و ثنا سزاوار تو است چه که از منستی  
تراب خلق را خلق فرمودی و گوهر بیلش و  
دانش عطا نمودی ای کریم از تو میطلبیم  
آنچه را که سبب حیات ابدی و زندگی  
سرمدیست ما را محرم منما و بنود از جودت  
موجود او را از طراز نهایت منع مفرما و کل را  
بتجلیات انوار نیر نوحید منور کردان لك  
الامر فی المبدأه و المعاد و لك الحكم یسا  
مالك الایجاد و مالك العباد .

\* ۱۳ \* الهامصبودا مسجودا کریم رحیم  
تو آگاهی و دانائی این عباد لثالی محبتت

را در خزائن افتده و قلوب با سمت حفظ  
نمودند حال از تو میطلبیم و مستلت منمائیم  
مارا از سارقین و خائنین حراست نما و حفظ  
فرما توئی قادر و توانا .

\* ۱۴ \* الهی الهی

اولیای خود را حفظ فرما توئی آن کریمی  
که هفت عالم را احاطه نموده بر عبادت رحم  
فرما و تائید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالیکه لایق  
ایام توست بیک کلمه علیا بحر پخششت موج  
وبیک اشراق نیر امر آفتاب جود و غفران  
ظاهر و هویدا همه بندگان تواند و یامید  
کرمت زنده اند دست قدرت از حوب قوت



برآر و این نفوس در کل مائده را لجات ده  
توئی مالک اراده و سلطان وجود لاله الا  
الت عزیز الوهاب

\* ۱۵ \* الهی معبودا

این نهالینست تو فرس نمودی از امطار  
سحاب رحمت آتش ده توئی آن گرمی کسه  
هصیان عالم ترا از کم منع ننمود و از بدایع  
فضلت باز نداشت توئی که جودت وجود را  
موجود فرمود و بافق اعلی راه نمود عبادت را  
از صراط مستقیمت منع مفرما توئی قادر و توانا

\* ۱۶ \* الهی کریم رحیم

آیا از برای عالم سمع و بصر عطا فرمودی و

یا آنکه محرم دانستی از توسل و سوال بینمایم بعزت  
و عظمت و وجود و کرمت که آنچه عطا فرمودی  
ظاهر نمائی تا نعمتت بر عالمیان هویدا گردد  
و اشراقات انوار نیر جود جمیع وجود را منور  
فرماید قسم بذات مقدست اگر بدوام ملک  
و ملکوت اظهار نداری در بخشش و عطایست  
از برای وجود ربیب حاصل نه غنا آن تو  
و فقره بیاب تو اگر عطا فرمائی بیساکرم  
و اگر محرم نمائی حامد و صابریم ای پروردگار  
از اراده است بوجود آمدیم و بتو دریم تو  
راجع گشتیم این خادم مسائل و آمل عبادت را از  
امواج بحر عطایست منع مفرما و کل را بطراز جود و



بخشمت مزین نما انک انت المقتدر العزيز

الحميد .

\* ١٧ \*

قُلْ اِلٰهِي وَمَحْبُوْبِي وَمَحْرُكِي وَمَجْدِي  
الْمُنَادِي فِي قَلْبِي وَمَحْبُوْبٌ سِرِّي . لَكَ  
الْحَمْدُ بِمَا جَعَلْتَنِي مُقْبِلًا اِلَىٰ وَجْهِكَ وَ  
مُسْتَعْلًا بِذِكْرِكَ وَمُنَادِيًا بِاسْمِكَ وَنَاطِقًا  
بِثَنَاتِكَ .

ايرب ايرب ان لم تظهر الغفلة من اين  
نصبت اعلام رحمتك ورفعت رايات كرمك وان

لم يعلن الخطاء كيف يعلم باثك المتسار  
الغفار العليم الحكيم .

نفس لِفِئَةٍ قَافِلِيكَ الْفِدَاءِ بِمَا مَرَّتْ عَنْ  
وَرَائِهَا نَسَمَاتُ رَحْمَةِ اسْمِكَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ذاتى لذنب مذنبك الفداء بما عرفت به  
أرياح فضلك وتضوعات مسك الطافك كينونتى  
لحصيان عاصيك الفداء لان به اشرفت شمس  
مواهبك من افق عطائك ونزلت امطار جودك .

ايرب انا الذى اقررت بكل الحصيان و  
اعترفت بما لا اعترف به اهل الامكان سرفت



إِلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَفْرَانِكَ وَسَكَتِ فَمِظِلِّ خِيَامِ  
مَكْرَمَتِكَ .

أَسْتَلُّكَ يَا مَالِكَ الْقِدَمِ وَالْمُهَيْمِنِ عَلَيَّ  
الْعَالَمِ بَانَ تَظْهِرَ مِنِّي مَا تُطَيِّرُ بِهِ الْأَرْوَاحَ فِي  
هَوَاءِ حَبِكَ وَالنَّفُوسَ فِي فِضَاءِ قَدْسِكَ ثُمَّ  
قَدِرْ لِي قُوَّةَ بَسُلْطَانِكَ لِأَقْلِبَ بِهِ الْمَمَكِنَاتِ الَّتِي  
مَطَّلَعَ ظَهْرُكَ وَمَشَرَّقَ وَحْيِكَ أَيُّرِبُ فَاجْعَلْنِي  
فَانِيًّا فِي رِضَاكَ وَقَانِمًا عَلَى خِدْمَتِكَ لِأَنْسَى  
أَحِبَّ الْحَيَاتِ لِأَطُوفَ حَوْلَ سِرَادِقِ أَمْرِكَ  
وَخِيَامِ عَظَمَتِكَ .

تَرَانِي يَا إِلَهِي مُنْقَطِعًا إِلَيْكَ وَخَاضِعًا لَدَيْكَ  
فَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَيُنْهِضْ لِحَيْلَالِكَ  
وَيَلِيْقُ لِحَضْرَتِكَ .

\* ١٨ \* بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ

يَا مَنْ بَلَائِكَ وَالْمَقْرِبِينَ وَسَيْفِكَ رَجَاءُ  
الْعَاشِقِينَ وَسَهْمِكَ مَحْبُوبِ الْمُشْتَاقِينَ وَقَضَائِكَ  
أَمَلِ الْعَارِفِينَ أَسْأَلُكَ بِمَحَبُوبِيَّةِ نَفْسِكَ وَبِأَنْوَارِ  
وَجْهِكَ بَانَ تَنْزِلَ عَلَيْنَا مِنْ شَطْرِ أَحَدَيْتِكَ مَا  
يَقْرُبُنَا إِلَى نَفْسِكَ ثُمَّ اسْقِمِ يَا إِلَهِي أَرْجُلَنَا  
عَلَى أَمْرِكَ وَنُورِ قُلُوبَنَا بِأَنْوَارِ مَحْرِفَتِكَ وَصُدُورَنَا



بِتَجْلِيَاتِ اسْمَائِكَ أَي رَبِّ أَنَا الَّذِي وَجَّهْتُ  
 وَجْهِي إِلَيْكَ وَأَكُونُ أَمَلًا بِدَائِعِ فَضْلِكَ وَ  
 ظَهْرَاتِ كَرَمِكَ أَسْأَلُكَ يَا لَ تَخِيْبِي عَسَن  
 بَابِ رَحْمَتِكَ وَلَا تَدَعْنِي بَيْنَ الْمُشْرِكِينَ مِنْ  
 خَلْقِكَ يَا إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عِبْدِكَ  
 اعْتَرَفْتُ بِكَ فِي أَيَّامِكَ وَأَقْبَلْتُ إِلَى شَاطِئِنِي  
 تَوْحِيدِكَ مُعْتَرِفًا بِفِرْدَانِيَّتِكَ وَمُدْعِيًا بِرُحْدَانِيَّتِكَ  
 وَأَمَلًا عَفْوِكَ وَغُفْرَانِكَ وَأَنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى  
 مَا نَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ .

#١٩#

كَمْ مِنْ مَخْمُودٍ يَا إِلَهِي اشْتَعَلَ مِنْ نَارِ  
 أَمْرِكَ وَكَمْ مِنْ رَاقِدٍ انْتَبَهَ مِنْ حَلَاوَةِ نِدَائِكَ  
 كَمْ مِنْ قَرِيبٍ اسْتَوَظَنَ فِي ظِلِّ سِدْرَةِ فِرْدَانِيَّتِكَ  
 وَكَمْ مِنْ ظَمْآنٍ أَرَادَ كَوْثَرَ الْحَيَوَانِ فِي أَيَّامِكَ  
 طَوْبِي لِمَنْ أَقْبَلَ إِلَيْكَ وَسَمِعَ إِلَى مَطْلَعِ النُّوَارِ  
 وَجْهَكَ طَوْبِي لِمَنْ أَقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى مَشْرِقِ  
 وَحْيِكَ وَمَصْدَرِ الْإِنهَامِكِ طَوْبِي لِمَنْ بَدَّلَ فِي  
 سَبِيلِكَ مَا أَعْطَيْتَهُ بِجُودِكَ طَوْبِي لِمَنْ نَبَّذَ  
 مَا سِوَاكَ فِي هَوَاكَ وَطَوْبِي لِمَنْ أَعْرَضَ بِذِكْرِكَ



وانقطع عما دونك ايوب استنك باسمك الذي  
 طلع من افق السجن بسطانك وقدرتك بيان  
 تقدر لكل ما ينجس لنفسك ويليق اسمائك  
 انك انت على كل شئ قدير

الهي الهي

هو لاه عبادك وخلقك وفي قبضة قدرتك  
 محاطون بمنيتك وارايتك ان تخفولهم  
 انك انت مالك ازمة الغفوان وان تعذبهم  
 انك انت المختار في كل الاحوال استنك  
 يامولى العالم بالنون والقلم واسرار اسمك

علم - عقل اول - اشرف موجودات كدارك منى وجودك از  
 مبدأ اول با نركامات  
 نلم - نظرم الله - ذات مقدس حضرت بهار الله

الاعظم ان تجذب افئدة عبادك من نفحات  
 بيانك الى الذروة العليا ومشرق آياتك يا  
 مولى الورى ومالك الاخرة والاولى

فصل دهم - مناجاتهنى كه مناسب

است در حال انفراد وراز و نیاز تلاوت

شود قوله تعالى

هو الله تعالى شأنه العظمة

والاقتدار

الهي الهي اشكرك في كل حال واحمدك  
 في جميع الاحوال في النعمة الحمد لك يا



اِلهَ الْعَالَمِينَ وَفِي فَقْدِهَا الشُّكْرُ لَكَ يَا  
 مَقْصُودَ الْحَارِفِينَ فِي الْبَهَامَا لَكَ الثَّنَاءُ يَا  
 مَحْبُودَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَفِي الضَّرَاءِ  
 لَكَ السَّنَاءُ يَا مَنْ بِكَ أَنْجَذَتْ أُمَّةٌ الْمُشْتَاقِينَ  
 فِي الشَّدَّةِ نَكَاحُ الْحَمْدِ يَا مَقْصُودَ الْقَاصِدِينَ  
 وَفِي الرِّخَاءِ لَكَ الشُّكْرُ يَا أَيُّهَا الْمَذْكُورُ فِي  
 قُلُوبِ الْمُقْرَبِينَ فِي الثَّرْوَةِ لَكَ الْبَهَاءُ يَا سَيِّدَ  
 الْمَخْلُصِينَ وَفِي الْفَقْرِ لَكَ الْأَمْرُ يَا رَجَاءَ  
 الْمَوْحِدِينَ فِي الْفَرَجِ لَكَ الْجَلَالُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ  
 أَنْتَ وَفِي الْحُزْنِ لَكَ الْجَمَالُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ

فِي الْجُوعِ لَكَ الْعَدْلُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ وَفِي  
 الشَّبَعِ لَكَ الْفَضْلُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ فِي الْوَطَنِ  
 لَكَ الْعَطَاءُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ وَفِي الْغُرْبَةِ لَكَ  
 الْقَضَاءُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ تَحْتَ السِّيفِ لَكَ  
 الْإِفْضَالُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ وَفِي الْبَيْتِ لَكَ الْكَمَالُ  
 يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ فِي الْقَصْرِ لَكَ الْكِرَامُ يَا إِلَهَ  
 الْإِلَهِ أَنْتَ وَفِي الْقُرَابِ لَكَ الْجُودُ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ  
 أَنْتَ فِي السِّجْنِ لَكَ النُّوْفَاءُ يَا سَابِغَ النِّصَمِ وَ  
 فِي الْحَبْسِ لَكَ الْبَقَاءُ يَا مَالِكَ الْقَدَمِ لَكَ  
 الْعَطَاءُ يَا مَوْلَى الْعَطَاءِ وَسُلْطَانَ الْعَطَاءِ وَ



مَالِكِ الْعَطَاءِ أَنْشِدْ إِنَّكَ مَحْمُودٌ فِي فِعْلِكَ  
 يَا أَصْلَ الْعَطَاءِ وَبَطَّاعِ فِي حَكْمِكَ يَا بَحْرَ  
 الْعَطَاءِ وَمَبْدَأِ الْعَطَاءِ وَرَجْعِ الْعَطَاءِ  
 § ٢٦ بِسْمِ الْمُهَيْمِنِ عَلَى الْأَسْمَاءِ  
 قُلْ إِلَهِي إِلَهِي فَجِ هَمِّي بِجُودِكَ وَ  
 عَطَائِكَ وَأَزِلْ كُرْبَتِي بِسُلْطَنَتِكَ وَأَقْتِمْ دَارِكَ  
 تَرَانِي يَا إِلَهِي مُقْبِلًا إِلَيْكَ حِينَ إِذَا حَاطَتِ  
 بَيْنَ الْأَحْزَانِ مِنْ كُلِّ الْجِبَاهِ أَسْتَلُّكَ يَا  
 مَالِكَ الرَّجُودِ وَالْمُهَيْمِنِ عَلَى الْغَيْبِ وَالشَّهُودِ  
 بِأَسْحِكَ الَّذِي بِهِ سَخَّرْتَ الْأَفْتِدَةَ وَالْقَلْبُوبِ

وَبِأَمْوَاجِ بَحْرِ رَحْمَتِكَ وَأَنْشِرَاتِ أَنْوَارِ نَيْبِرِ  
 عَطَائِكَ أَنْ تَجْمَلَنِي مِنَ الَّذِينَ مَانَعْتَهُمْ شَيْئًا  
 مِنَ الْأَشْيَاءِ مِنْ التَّوَجُّهِ إِلَيْكَ يَا مَوْلَى الْأَسْمَاءِ  
 وَفَاطِرِ السَّمَاءِ أَيُّ رَبِّ تَرَى مَا وَرَدَ عَلَى قَسِ  
 أَيَّامِكَ أَسْأَلُكَ بِمَشْرِوقِ أَسْمَائِكَ وَمَطْلَعِ صِفَائِكَ  
 أَنْ تَقْدِرَ لِي مَا يَجْمَلُنِي قَائِمًا عَلَى خِدْمَتِكَ وَ  
 نَاطِقًا بِشَنَائِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَادِرُ  
 وَبِالْإِجَابَةِ بَعْدَ إِثْمِ أَسْأَلُكَ فِي آخِرِ عَرَضِي  
 بِأَنْوَارِ وَجْهِكَ أَنْ تُصَلِّحَ أُمُورِي وَتَقْضِيَ دِينِي  
 وَخَوَائِجِي إِنَّكَ أَنْتَ الَّذِي خَشِدُ كُلَّ ذِي لِسَانٍ



بِقُدْرَتِكَ وَقُوَّتِكَ وَذِي دِرَايَةٍ بِعِظَمَتِكَ وَ  
سُلْطَانِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْمُجِيبُ .

﴿٣﴾ إِلَهِي إِلَهِي

لَا تَبْعُدْ عَنِّي لِأَنَّ الضَّالِّينَ يَكْذِبُونَ  
أَحَاطَتْنِي إِلَهِي إِلَهِي لَا تَدْعُنِي بِنَفْسِي لِأَنَّ  
الْعَاوِرَةَ بِأَسْرِهِا أَخَذْتَنِي وَمِن زَلَالِ نَسْوِي  
عَنَابَتِكَ فَاشْرَيْتَنِي لِأَنَّ الْأَعْيَاشَ بِأَتَمِّهَا أَحْرَقْتَنِي  
وَمِنْ ظِلِّ جَنَاحِي رَحْمَتِكَ فَاطْلَلْتَنِي لِأَنَّ الْأَعْدَاءَ  
بِاجْمَعِهَا أَرَادْتَنِي وَعِنْدَ عَرْشِ الْعِظَمَةِ تَلَقَّاهُ  
تَظَهَّرَ آيَاتُ عِزِّكَ فَاحْفَظْتَنِي لِأَنَّ الذُّلَّةَ بِأَكْمَلِهَا

مَسْتَنِي وَمِنْ أثمارِ شَجَرَةِ اذَلَّتِكَ فَاطْمَئِنِّي لِأَنَّ  
الضَّعْفَ بِالطَّفْهِ تَقَرَّبْتَنِي وَمِنْ كَوْنِ السُّرُورِ  
مِنْ أَيْدِي رَأْفَتِكَ فَارْزُقْنِي لِأَنَّ الهمومَ بِأَعْظَمِهَا  
أَخَذْتَنِي وَمِنْ سَنَاءِ سُلْطَانِ رِيبِيَّتِكَ  
فَاخْلَعْنِي لِأَنَّ الْاِفْتِقَارَ بِجَوْهَرِهَا عَرَّضْتَنِي وَعِنْدَ  
تَعْنِي وَرِقًا صَمَدِيَّتِكَ فَارْقُدْنِي لِأَنَّ الْبَلَايَا  
بِأَكْبَرِهَا وَرَدْتَنِي وَفِي عَرْشِي الْاِحْدِيَّةَ عِنْدَ تَشَعُّعِ  
طَلْعَةِ الْجَمَالِ فَاسْكِنْنِي لِأَنَّ الْاِضْطِرَابَ بِأَقْوَمِهَا  
أَهْلَكْتَنِي وَفِي اِبْحَرِ الْخَفْرِيَّةِ تَلَقَّاهُ تَهَيَّجِ  
حُوتِ الْجَلَالِ فَاقْمِسْنِي لِأَنَّ الْاِخْطَابَ



بِأُطُودِهَا أَمَاتَنِي .

\* ۴ \* الهيا معبودا مقصودا

بکمال عجز و ابتهال از تو مستنبت

مینمایم این عبد را از شرنا عقین حفظ فرمائی

واز ظل سدره منتهی و صریح قلم اهلــــ

محرور نسازی اشهد ان الیوم یومک والامر

امرک اسالک بصراطک المستقیم و نبیــــ

المظیم ان تویدئس علی ما یرفع به امرک

بین عبادک انک انت المقتدر علی ما تشاء

لا اله الا انت المهیمن القیوم .

\* ۵ \* الهیا کریمیا رحیمیا

توئی آن سلطانی که بیک کلمه ات وجود

موجود گشت و توئی آن کریمی که احوال

بندگان به خشمت را منع نمود و ظهورات

جنودت را باز نداشت از تو سؤال مینمایم

این عبد را فائز فرمائی بآنچه سبب نجاتست

در جمیع عوالم تو توئی مقتدر و توانا و توئی

عالم و دادا .



\* ٦ \* سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي  
 أَحَبُّ بِكْلِ لِسَانٍ أَدْعُوكَ وَبِكْلِ بِيَانٍ  
 أَرْجُوكَ وَبِكْلِ قَلْبٍ أذْكَرُكَ وَبِكْلِ فَمٍ أَشْكُرُكَ  
 وَبِكْلِ وَجْهِ أَسْجُدُكَ وَبِكْلِ عَيْنٍ أَشَاهِدُكَ وَبِكْلِ  
 فَوْادٍ أَحِبُّكَ وَبِكْلِ كَوْسٍ أَشْرَبُ مِنْ أَبْحَرٍ  
 عَوَاطِفِ لَاهُوتٍ مَكْرَمَتِكَ وَبِكْلِ كَوْسٍ أَسْقِي  
 مِنْ أَنْهَرِ فَوَاضِلِ جَبَرُوتِ عِنَايَتِكَ وَبِكْلِ جَنَاحِ  
 أَطِيرِ إِلَى سَمَوَاتِ عَرْشِ عِظَمَتِكَ وَبِكْلِ رِيَاءِ  
 أَسِيرِ فِي سَبَاهِ آتِ عِزِّ مَرْحَمَتِكَ لَا كُونَ سَكْرَانًا عِنْدَ  
 تَغْنَسِ وَرْقَاءِ سُلْطَانِ جَلَالِكَ وَجَدُّ بَانَا لِي دِي

تُظْهِرُ أَرْوَاقَ شَمْسِ جَمَالِكَ وَوَلِيهَا تَأْفِي سِرَائِرِ  
 اللَّاهُوتِ مِنْ لِحْظَاتِ أَعْيُنٍ عِزِّ وَحْدَتِكَ وَالِدَمَانَا  
 عَلَى عَرْشِ الْمَلَكُوتِ عِنْدَ قِبَسَاتِ جَذْوَاتِ أَنْوَارِ  
 مَجْدِ جَدِّ بَتِكَ لَا كُونَ بِكُلِّ مُنْقَطِعًا إِلَيْكَ  
 وَمَتَوَسِّلًا عَلَيْكَ وَمَتَمَسِّكًا بِطَلْمَاتِ قُدْسِ  
 صَعْدِيكَ وَمَتَمَلِّقًا بِوَجْهَاتِ أَنْسِ أَحَدِيَّتِكَ ثُمَّ  
 عَلِمْنِي يَا إِلَهِي حَرْفًا مِنْ مَكَانِ عِلْمِكَ وَمَخَازِنِ  
 وَحْيِكَ وَمَوَاقِعِ أَمْرِكَ وَمَطَالِعِ حُكْمِكَ لِأَذْكَرُكَ  
 عَلَى عَرْشِ الْعِصْمَةِ بِلِحْنَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَأَشْكُرُكَ  
 بِالْمَعْرِفَةِ عَلَى كَرْسِيِّ الثَّنَاءِ بِرَبِّوَاتِ الْمُنْزَهِينَ



وَاصْفِكَ عَلَى سِرِّرِ الْأَبْهَى بِنِعْمَاتِ الْمَسْبُوحِينَ  
 لِأَنَّكَ يَا إِلَهِي مَا قَدَّرْتَ فِرَاقًا فِي عِلْمِ كِتَابِكَ  
 وَلَا نُورًا إِلَّا فِي مَعْرِفَةِ آيَاتِكَ فَسُبْحَانَكَ  
 سُبْحَانَكَ إِنَّا كُلُّ فُقَرَاءٍ إِلَيْكَ وَعِبْدَاءُ لَكَ وَمَا  
 نَعْلَمُ شَيْئًا إِلَّا بِمَا تَعْلَمُنِي مِنْ بَدَائِعِ فَضْلِكَ  
 وَلَوْ أَمَعَ جُودُكَ إِذْ بِيَدِكَ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِنَّا  
 كُلُّ لَكَ سَاجِدُونَ وَمِنْ رَحْمَتِكَ آمِلُونَ .

\*٧\* قَلْبًا طَاهِرًا

فَاخْلُقْ نَفْسِي يَا إِلَهِي سِرًّا سَاكِنًا جَدِيدًا فِي  
 يَا مَنَانِي وَبِرِّ الْقُوَّةِ تَبَيَّنَ عَلَيَّ أَمْرُكَ يَا

مُحِبُّونَ وَبُنُورِ الْعِظَمَةِ فَاشْهَدْ لِي عَلَى  
 صِرَاطِكَ يَا رَجَائِي وَسُلْطَانَ الرَّفِيعَةِ إِلَى سَمَاءِ  
 قُدْسِكَ هَرَجْنِي يَا أَوْلَى وَبَارِيحِ الصَّمْدِيَّةِ  
 فَابْهَجْنِي يَا آخِرَى وَبِنِعْمَاتِ الْإِزْلِيَّةِ فَاسْتَرِحْنِي  
 يَا مُوسَى وَبِخِنَاءِ طَلَمَتِكَ الْقَدِيمَةِ نَجِّنِي  
 مِنْ دُونِكَ يَا سَيِّدِي وَبِظُهُورِ كَيْفُونَتِكَ الدَّائِمَةِ  
 بِسُرْسِي يَا ظَاهِرَ فَوْقِ ظَاهِرِي وَابْطِاطِنِ

دُونِ بَاطِنِي

\*٨\* بِسْمِ اللَّهِ الْأَقْدَسِ

يَا مَنْ وَجْهَكَ كَعِبَةِ الْمُشْتَاقِينَ وَلِقَائِكَ



امل المخلصين وقومك رجاء شقيين وطلعتك  
 صحيفة العارفين واسمك روح المشتاقين  
 وندائك حبات العانقين وما يخرج من  
 شفقتك كثر الحيوان لمن في السموات  
 والارضين لسالك بمظلومية نفسك وبابتلائها  
 بين جنود الظالمين بان تنزل على من  
 سحاب رحمتك ما يجعلني مقدسا مما سواك  
 لاكون لايقا لذكرك وقابلا لحبك اى رب لا  
 تمنعني مما قدرته لعبادك الذين يطوفون  
 في حولك ويتجلى عليهم في كل حين شمس

جمالك وانوار وجهك اذك لم تنزل كنت معين  
 من ارادك وسعطى من سالك لا اله الا انت  
 العزيز الباقي المعطي الكريم

\* ٩ \* الهى ترانى فى قم الثعبان

وتشهد كيف يلد غنى فيكل حين وحن

اما تنصرنى يا الهى بعد الذى تمسكت

بذيل عطايك اما ترحنى يا محبوبى بعد الذى

تشبث بردا عز افضالك وقضايك اذا يا الهى

فانصرنى بسطان نصرك ثم احفظنى

من هذا الهلا يامن بيديك



مَلَكُوتِ الْاِيْشَاءِ وَ اِنَّكَ بِكُلِّ شَيْءٍ  
عَلِيْمٌ

\* ١٠ \* قُلِ الْاِيْسُ الْاِيْسُ

لَا تَطْرُدُنِي عَنْ بَحْرِ عَطَائِكَ وَلَا  
تَمْنَعْنِي عَنْ ظِلِّ عِمَامَةِ فَضْلِكَ وَ هِزْبِكَ  
يَا سُلْطَانَ الْوَجُودِ وَ مَالِكَ  
مَعَالِكِ الْكِرْمِ وَ الْجُودِ مَا اتَّخَذَتْ لِنَفْسِي  
دَوْلَتَكَ سُلْطَانًا وَلَا سِيْرَتَكَ رِيْسًا اسْتَلْكَ  
بِحُرَيْرِ كُوْنِ الْمَبْيَانِ وَ هِزْبِي  
نَسَمَاتِ ظَهْرِكَ فَيَسِي الْاِمْكَانِ

وَ بآيَاتِكَ الْكُبْرَى وَ حَفِيْفِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى اِنْ  
تَوَيْدَ عِبَادَتِكَ عَلَيَّ الْعَدْلُ فِي اَمْرِكَ وَ الْاِنْصَافُ  
فِي ظَهْرِكَ اَي رَبِّ تَرْثُهُمْ مَعْرُضِيْنَ عَنْ سَاحَةِ  
عِزِّكَ وَ مَتَمَسِكِيْنَ بِاَوْهَامِهِمْ فِي اَيَامِكَ نَبِيْدًا وَ  
بَحْرَ الْعِلْمِ وَ رِائِسَهُمْ مَقْبَلِيْنَ اِلَى قَدْرِ الْوَهْمِ لَمْ  
اَدْرِ يَا اِيْسُ بَايَ حُجَّةٍ يَتَّبِعُوْنَ مَا عِنْدَهُمْ وَ بَايَ  
بِرْهَانٍ يَنْكُرُوْنَ مَا نَزَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ سَمَاءِ فَضْلِكَ  
وَ اَظْهَرْتَ لَهُمْ مِنْ اَصْدَافِ بَحْرِ اِرَادَتِكَ اَشْهَدُ  
بِظَهْرِكَ ظَهْرَ السَّبِيْلِ وَ نَزَلَ الدَّلِيْلُ وَ تَمَّتِ  
الْحُجَّةُ وَ كَمَلَتِ النِّعْمَةُ اَي رَبِّ اَنَا عِيْدُكَ وَ اِبْنُ



عَبْدِكَ اَكُونُ مُتَوَجِّهًا اِلَى اَنْوَارِ وَجْهِكَ وَمَتَمَسِّكًا  
 بِحَبْلِ عِنَايَتِكَ وَمَعْتَرِفًا بِبِحْرِ بِيَمَانِكَ وَسَمَاءِ  
 حِكْمَتِكَ وَمَقْرًا بِمَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ عَظَمَتِكَ وَمَا  
 اَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ اَيُّ رَبِّ اَيُّدِ الْغَافِلِينَ عَلَى الْاِفْتِرَافِ  
 بِمَا اَظْهَرْتَهُ بِقُوَّتِكَ وَالْمُعْرِضِينَ عَلَى الْاِقْبَالِ  
 اِلَى بَابِ رَحْمَتِكَ وَالْمُنْكَرِينَ عَلَى الْاِقْرَارِ  
 بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَفِرْدَانِيَّتِكَ اَيُّ رَبِّ وَفَقِّهِمْ عَلَى  
 الرَّجُوعِ اِلَيْكَ وَالْقِيَامِ عَلَى تَدَارُكِ مَافَاتِ عَنَمِهِمْ  
 عِنْدَ تَجَلِّيَاتِ اَنْوَارِ نَبِيِّكَ اَنْتَ الَّذِي  
 بَارَادَتِكَ نَصَبَتْ رَايَةَ اَسْمِكَ الْوَهَابِ فِي الْعَابِ

وَارْتَفَعَ خَبَاءُ مَجْدِكَ اِمَامِ وَجْهِهِ الْاِحْبَابِ  
 طُوبَى لِمَنْ لَبَسَ قَصْدَ ظِلِّكَ وَالْفَقِيرَ ارَادَ بِحَسْرِ  
 عَنَائِكَ وَطُوبَى لِمَنْ لَبَسَ تَمَسُّكَ بِحَبْلِ قَرِينِكَ وَ  
 تَشَبَّهَ بِذِيْلِ عَطَائِكَ وَطُوبَى لِمَنْ لَقِيَ قَصْدَ  
 فِرَاتِ رَحْمَتِكَ وَمَخْزَنِ كَرَمِكَ وَطُوبَى لِمَنْ لَمِنَ قَطِيعِ  
 نَبْذِ مَا دُونَكَ وَاخَذَ مَا اَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِكَ

الصَّابِرِينَ

# ١١١ # مَسْئَلُكَ يَا اَلِهِي  
 اَسْئَلُكَ يَا اَلِهِي بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ سَخَّرْتَ مِنْ نَفْسِي  
 السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ اَنْ تَحْفَظَ سِرَّ اَمْرِكَ



بِرِجَاجَةِ قُدْرَتِكَ وَالطَّافِكِ لِذَلَالَتِهِ اَرِيحِ  
 الْاِنكَارَ مِنْ شَطْرِ الَّذِينَ عَقَلُوا مِنْ اَسْرَارِ اَسْمِكَ  
 الْمُخْتَارِ ثُمَّ زِدْ نُورَهُ بِدَهْنِ حِكْمَتِكَ اِنَّكَ اَنْتَ  
 الْمُعْتَدِرُ عَلٰى مَنْ فِيْ اَرْضِكَ وَمَصْلَاتِكَ اَيُّ رَبِّ  
 اَسْتَلِكُ بِالْكَلِمَةِ الْعَلِيَا الَّتِي بِهَا فُزَّ مَنْ فِيْ  
 الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ الْاَمِنُ تَمْسُكُ بِالْعُرْوَةِ الْوَثْقَى  
 اَنْ لَا تَدْفَعَنَّ بَيْنَ خَلْقِكَ وَاَرْفَعُنِيْ اِلَيْكَ وَ  
 اَدْخِلْنِيْ فِيْ ظِلَالِ رَحْمَتِكَ وَاَشْرِبْنِيْ زَلَالَ خَمْرِ  
 عِنَابَتِكَ لَا سَكْنَ فِيْ خَبَاٍ مَجْدِكَ وَقَبَابِ الطَّافِكِ  
 اِنَّكَ اَنْتَ الْمُعْتَدِرُ عَلٰى مَا تَشَاءُ وَاِنَّكَ اَنْتَ

المهيمن القيم

﴿ ١٢ ﴾

قل الهى الهى

تَرَانِيْ طَائِفًا حَوْلَ اِرَادَتِكَ وَنَظْرًا اِلَيْ  
 اِنْفِقْ جُودَكَ وَمُنْتَظِرًا تَجَلِيَّاتِ اَنْوَارِ نُبُوْعِكَ  
 اَسْتَلِكُ بِاِمْحَابِ اَقْتِدَةِ الْعَارِفِيْنَ وَمَقْصُودِ  
 الْمُقْرِبِيْنَ اَنْ تَجْمَلَ اَوْلِيَاءِكَ مُنْقَطِعِيْنَ مِنْ  
 اِرَادَاتِهِمْ مَتَمَسِكِيْنَ بِاِرَادَتِكَ اَيُّ رَبِّ زِينَتِهِمْ  
 بِطَرَازِ التَّقْوَى وَنُورِهِمْ بِنُورِ الْاِنْقِطَاعِ ثُمَّ  
 اَيِّدُهُمْ بِجِنُودِ الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ لِاعْلَاءِ كَلِمَتِكَ  
 بَيْنَ خَلْقِكَ وَاظْهَرِ اَمْرَكَ بَيْنَ عِبَادِكَ اِنَّكَ



أنت المقدر على ما تشاء وفي قبضتك  
زمام الأمور لا إله إلا أنت العزيز الخفور .

\* ١٣ \* قل الهى الهى

هل يقدر الضعيف ان يذكر ظهيرات  
قدرتك وهل يستطيع الكليل ان يصف  
مشارك بيانك اسئلك بالقدرة التي خضعت  
عند ظهورها الكائنات ويعلمك الذي احاط  
على الممكنات وبحلاوة بيانك واقتدار ارادتك  
ان تجعلنى ثابتا على امرك ومستقيما على  
حكيمك انك انت المقدر العزيز المنان .

\* ١٤ \* قل الهى الهى

لك الحمد بما هديتنى وهرقتى وايدتى  
على الاقبال اليك اشهد انك اظهرت نفسك  
لهداية خلقك وتقر بهم اليك في كل الاحوال  
انك انت العزيز المختار اى رب اسئلك  
بأسرارك المكنونة في علمك وبالأموج الظاهرة  
من بحر بيانك ان تجعلنى متمسكا بحبلك  
انك انت الغنى المتعال .

\* ١٥ \* قل الهى الهى

اشهد بوحدايتك وفردانيتك وبعزك



وَعَظَمَتِكَ وَسُلْطَانِكَ أَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ قَدْ  
 أَقْبَلْتُ إِلَيْكَ مَنْقَطِعًا مِنْ دُونِكَ وَرَاجِيًا بِدَائِعِ  
 فَضْلِكَ أَسْأَلُكَ بِأَمْطَارِ سَحَابِ سَمَاءِ كَرَمِكَ  
 وَبِأَسْرَارِ كِتَابِكَ أَنْ تُؤَيِّدَنِي عَلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى  
 أَيُّ رَبِّ هَذَا عَيْدًا عَرَّضَ الْإِوَهَامَ مَقْبَلًا إِلَيَّ  
 أَفْقِ الْإِيقَانِ وَقَامَ لَدَيْ بَابِ فَضْلِكَ وَفَسَّرَ  
 الْأُمُورَ إِلَيْكَ وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَافْعَلْ بِهِ مَا يَنْبَغِي  
 لِسَمَاءِ جُودِكَ وَبِحُرُوكِ كَرَمِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ  
 الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ  
 مِنْ قَدَرِي مَا يَقْرِيُنِي إِلَيْكَ وَيَنْفَعُنِي

بِهِ مَا يَنْبَغِي

فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى إِنَّكَ أَنْتَ مَوْلَى الْوَرَى وَفِي  
 قَبْضَتِكَ زِمَامُ الْفَضْلِ وَالْحَطَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 الْفَضَالُ الْكَرِيمُ الْبِهَاءُ عَلَى أَهْلِ الْبِهَاءِ  
 الَّذِينَ مَا مَنَعْتَهُمْ ضَوْضًا إِلَّا مِنْ مَالِكَ  
 الْقَدِيمِ قَامُوا وَقَالُوا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ الْعَرْشِ

الْعَظِيمِ

\* ١٦ \* قُلِ الْهَيْسِ الْهَيْسِ

لَكَ الْحَمْدُ بِمَا هَدَيْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَلَكَ الشُّكْرُ  
 بِمَا عَرَّفْتَنِي وَقَرَّبْتَنِي أَسْأَلُكَ يَا مَالِكَ الْقَدِيمِ  
 بِالْأَسْمِ الْأَعْظَمِ وَبِأَمْرِكَ الْمَهِيمِ الَّذِي بِهِ سَخَّرْتَ



الأم ان تجعلني في كل الاحوال متمسكا بحبل  
 فضلك ومتشبثا بذيل عطائك اي رب ترانسى  
 مقبلا الى مشرق امرك ومصدر عنايتك استلك  
 بانوار وجهك وبما جرى من قلمك ان تؤيدنى  
 على ما ينبغى لا يامك ويقضوه منه عرف رضاك  
 ثم قدرلى ولمن معى خيرا لخرة والاولى انك  
 انت مولى الورى لا اله الا انت القوى القدير

\* ١٢ \* قل الهى الهى

استلك بالذى به سالت البطحاء وبه  
 اشرق النور من افق الحجاز ان تنزل لعبدك

بطحاء: رود ياميد يا محل جريان آب در سنگلاخ - يا لقب شهر مکه - سفینه البطحاء: دیانت اسلام - شمس البطحاء: منظر حضرت محمد است

هذا من سما فضلك امطار عنايتك اي رب  
 ترانى مقبلا اليك منقطعا عن دونك استلك  
 ان تجعلني في كل الاحوال مستقيما على  
 امرك وتمسكا بما انزلته فى كتابك ثم قدرلى  
 خيرا لخرة والاولى انك انت مولى الورى لا  
 اله الا انت مولى الاسماء وفاضل السماء

\* ١٨ \* قل سبحانك

يا من انار باسمك افق العرفان وبنور  
 وجهك اضاء الامكان تشهد وترى بان عبدك  
 هذا قد نبت ما دونك واقبل الى افق فضلك

سيد يثرب ويطحاء: سرد در مدينه مکه منظر حضرت محمد رسول الله است



وَبِحَرِّ رَحْمَتِكَ وَسَمَاءِ جُودِكَ أَي رَبِّ انْشَهُدُ  
 أَنْكَ أَسْمَعْتَنِي نِدَائِكَ وَأَرَيْتَنِي آيَاتِكَ وَهَدَيْتَنِي  
 إِلَى صِرَاطِكَ الْعَزِيزِ الْمُبِينِ انْشَهُدُ بِمَا شَهِدَ  
 بِهِ لِسَانُ عَظَمَتِكَ قَبْلَ خَلْقِ سَمَائِكَ وَارْضِكَ  
 أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ وَأَسْتَلْسُكَ  
 يَا إِلَهَ الْأَسْمَاءِ بِالْكَلِمَةِ الْأُولَى وَنَفْسِكَ الْعَلِيَا  
 بِأَنْ تَكْتَبَ لِي مِنْ قَلَمِكَ الْأَعْلَى مَا كَتَبْتَهُ  
 لِأَصْفِيَائِكَ وَقَدَرْتَهُ لِأَوْلِيَائِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُعْتَدِرُ  
 عَلَى مَا نَشَأُ وَهِيَ قَبْضَتُكَ مَلَكُوتُ الْأَنْشَاءِ  
 تَفْعَلُ وَتَحْكُمُ تَعْطَى وَتَأْخُذُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

مرور و مرور  
 المقدير القدير

\* ١٩ \* قل الهى الهى

أَسْتَلْسُكَ بِبِحَرِّ آيَاتِكَ وَسَمَاءِ فَضْلِكَ وَشَمْسِ  
 جُودِكَ بِأَنْ تُؤَيِّدَ لِي هَلِي مَا يَجِبُهُ مِنْهُ  
 الْمَخْلُصُونَ عَرَفَ الْإِسْتِقَامَةَ عَلَى أَمْرِكَ أَي رَبِّ  
 لَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا مِنْ نَفْحَاتِ أَيْمَانِكَ وَلَا مَمْنُوعًا  
 مِنْ أَصْفَاءِ آيَاتِكَ قَدِرْ لِي مِنْ قَلَمِكَ الْأَعْلَى  
 خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى أَي رَبِّ انْشَهُدْ أَنِّي لَسْتُ  
 قَابِلًا بِدَائِعِ فَضْلِكَ وَمُسْتَحِقًّا مَا أَنْزَلْتَ لِي مِنْ  
 سَمَاءِ عَطَائِكَ اسْتَلْسُكَ بِسِفَائِنِ قَدْرَتِكَ وَبِحَرِّ



اقتدارك الذين ما منعهم سطوة الملوك  
 عن التقرب اليك ولا قدرة المملوك عن النظر  
 الى افك ان تقدر لي ما ينبض لجودك و  
 فضلك انك انت الغفور العطوف .

\* ٢٠ \* قل لك الحمد

يا مولى العالم بما ايدتني وهرقتني  
 وهديتني الى صراطك المستقيم اشهد  
 ان الصراط صراطك والظهور ظهورك والامر  
 امرك العزيز البديع .

\* ٢١ \* قل الهسى الهسى

تعلم ما عندي ولا اعلم ما عندك اشهد ان  
 زمام العلم في يمينك والحرمان في قبضة  
 اقتدارك استلك بالكلية التي بها سخرت  
 من في الارض والسماء بان تقدر لي من قلمك  
 الاعلى ما ينفصني في كل عالم من عوالمك  
 انك انت العتدر القدير .

\* ٢٢ \* قل الهسى الهسى

ترى الفقير قصد باب غنائك والمريض سرع  
 الى بحر شفاك والمظلوم اراد عدلك والطافك

طلب  
 غفران والدين

وشى غفرا والدين



اسئلك بانوار صبح ظهورك وبالكلمة التي  
 بها انجذبت افئدة اصفياك بان لا تمنعني  
 من فيوضات ايامك ونفحات آياتك اي رب  
 تراني مقبلا الي اققك الاعلى ~~ومعصيا~~  
 بحبلك يا مولى الورى ومالك الاخرة والاولى  
 اسئلك ان لا تخيبني عما عندك وما قدرته  
 لخيرتك الذين ما نقضوا عهدك ~~ميتساقك~~ و  
 سرعوا الي مقر الفداء نورا للقائك وانفقوا  
 ارواحهم في سبيلك اسئلك يا اله الاسماء  
 وفاطر السماء باسمك العلى الالهى بان

تغفرلى ولوالدى ولمن تمسك بحبلك وتشبهت  
 بذيلك اي رب انت الذى شهدت بكسرمك  
 الكائنات ووجودك الممكنات لا اله الا انت  
 العليم الحكيم .

\* ٢٣ \* قل يا اله الغيب والشهود

اسئلك بنفحات ايامك ونفحات فيض  
 هدايتك بان تجعلنى ثابتا راسخا على امرك  
 انك انت المفتر على ماتنا وفي قبضتك  
 ملكوت الاسماء تفعل ماتنا وتحكم ماتريد .



\* ٢٤ \* قل اشهد يا الهي

بما شهد به انبياءك واصفيائك وبما  
انزلته في كتبك وصحفك اسالك باسرار كتابك  
وبالذي به فتحت ابواب الملوك على خلقك  
ورفعت راية التوحيد بين عبادك بان ترزقني  
شفاقة سيد الرسل وهادي السبل وتوفقي  
على ما تحب وترضى اي رب انا عبدك وابن  
عبدك اكون موقنا بوحدايتك وفردانيتك  
ومتسكيا بحبل هدايتك وفضلك اسالك يا مالك  
الملكوت والمهيمن على الجبروت باسمك

الذي به سخرت الملوك والمملوك بان تقدر لي  
ما ينفعني انك انت تعلم ما عندي وان لا اعلم  
ما عندك وانك انت الخفور الرحيم اي رب  
لك الحمد بما اريتني بحر بيانك وسماء  
جودك انا ديك يامن في قبضتك زمام  
الاديان بان تويدني على ذكرك وثنائيك  
والعمل بما انزلته في كتابك انك انت  
المقدر المتعالي العزيز الودود

\* ٢٥ \* هو العالم الحكيم

الهي الهي لك الحمد بما جعلتني



مُعْتَرِفًا بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَمَقْرًا بِفِرْدَانِيَّتِكَ وَمَذْهَبًا  
 بِمَا أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ الَّذِي بِهِ فَرَّقْتَ بَيْنَ الْحَقِّ  
 وَالْبَاطِلِ بِأَمْرِكَ وَأَقْتَدَارِكَ وَنَكَحْتَ الشُّكْرَ بِسَاءِ  
 مَقْصُودِي وَمَعْبُودِي وَأَمَلِي وَبَغِيَّتِي وَمُنَايَ  
 بِمَا سَقَيْتَنِي كَثْرَ الْإِيمَانِ مِنْ يَدِ عَطَائِكَ  
 وَهَدَيْتَنِي إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ بِفَضْلِكَ  
 وَجُودِكَ أَسْأَلُكَ يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ وَمَسْخِرَ  
 الْأَرْيَاحِ بِأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ  
 الَّذِينَ جَمَلْتَهُمْ أَعْلَامَ هِدَايَتِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ  
 وَرَايَاتِ نَصْرَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَبِالنُّورِ الَّذِي

أَشْرَقَ مِنْ أَفْقِ الْحِجَازِ وَتَنَوَّرَتْ بِهِ يَشْرِبُ  
 وَالْبَطْحَاءُ وَمَا فِي نَاسُوتِ الْإِنْسَانِ بَانَ تَوْهِيدُ  
 عِبَادَتِكَ عَلَيَّ ذِكْرَكَ وَثَنَاتِكَ وَالصَّمَلَ بِمَا أَنْزَلْتَهُ  
 فِي كِتَابِكَ إِلَهِي إِلَهِي تَرَى الضَّعِيفَ أَرَادَ مَشْرُقَ  
 آيَاتِكَ وَمَطْلَعَ اقْتِدَارِكَ وَالْعَلِيلَ كَثْرَ شَفَاعَاتِكَ  
 وَالْكَالِيلَ مَلَكُوتَ بَيَانِكَ وَالْفَقِيرَ جَبْرُوتَ تَرْوِيحِكَ  
 وَعَطَائِكَ قَدْرَ لَهْ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ مَا يَقْرَهُ إِلَيْكَ  
 فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ وَيُؤَيِّدُهُ عَلَى الْمَعْرُوفِ وَيَحْفَظُهُ  
 مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْمَبْدَأِ وَالْعَالِ إِنَّكَ أَنْتَ  
 الْفَلِيُّ الْمُتَعَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْفَضَالُ



تا به طلب نمود برده کرد ساز  
و اعتراف بر بحر دفعه  
\* ۲۶ \*

- ۷۲ -  
هو السميع البصير

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ بِكَ اشْرَقَ نُورُ الصَّانِعِ مِنْ  
افقِ سَمَاءِ الْبَيَانِ وَتَزَيَّنَتْ فَوَائِمُ الْعِلْمِ  
وَالْحِكْمَةِ بِأَنْوَارِ الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ أَسْأَلُكَ بِبِحَارِ  
رَحْمَتِكَ وَسَمَاءِ هَيْبَتِكَ وَيَا مَرْكَزَ الَّذِي بِهِ هَدَيْتَ  
الْمُخْلِصِينَ إِلَى بَحْرِ مَرْفَاقِكَ وَالْمُؤَحِّدِينَ إِلَى  
شَمْسِ عَطَائِكَ يَا مَنْ تَوَيْدَ عِبَادَكَ عَلَى ذِكْرِكَ وَ  
شَتَائِكَ ثُمَّ قَدَّرَ لَهُمْ مَا قَدَّرْتَهُ لِلَّذِينَ أَقْبَرُوا  
بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَفَرَدَانِيَّتِكَ وَمَا بَدَلُوا نِعْمَتَكَ وَمَا  
انْكُرُوا حَقَّكَ وَمَا جَادَلُوا بِآيَاتِكَ وَمَا نَقَضُوا

هَيْبَتِكَ وَمِيثَاقَكَ وَانْفَقُوا أَرْوَاحَهُمْ لِأَعْيَانِ  
كَلِمَتِكَ الْعَلِيَّاءِ وَأَظْهَرُوا أَمْرَكَ بِأَمْوَالِ السُّورَى  
فِي نَامُوسِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْ رَبِّ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ  
سَمَاءَ فَضْلِكَ أَمْطَارِ رَحْمَتِكَ وَقَدَّرَ لَهُمْ مَا يَقْرَبُهُ  
الْيَحْيُونَ وَنَفَخَ فِي الْقُلُوبِ وَتَطْمِئِنُّ بِهِ النَّفُوسُ  
إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَفِي قَبْضَتِكَ  
مَنْ فِي مَلَكُوتِ الْأَمْرِ وَالْخَلْقِ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ  
تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْفَرْدُ الْوَاحِدُ  
الْمُرْتَبِعُ الْحَمِيدُ أَيْ رَبُّ عَرَانِ مَقِيلِ الْبَيْتِ وَ  
أَمَلًا بَدَائِعِ فَضْلِكَ أَوْ كَرَمِكَ أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي



بِالْمَشْعَرِ وَالْمَقَامِ وَالزَّمْرِمِ وَالصِّفَا وَبِالْمَسْجِدِ  
 الْأَقْصَى وَبَيْتِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَطَافَ الْمَلَائِكَةِ  
 الْأَعْلَى وَمَقْبَلِ الْوَرَى وَبِالَّذِي بِهِ أَظْهَرْتَ أَمْرَكَ  
 وَسُلْطَانَكَ وَأَنْزَلْتَ آيَاتِكَ وَرَفَعْتَ أَعْلَامَ نَصْرَتِكَ  
 فِي بِلَادِكَ وَزَيَّنْتَهُ بِطِرَازِ الْخْتَمِ وَأَنْقَطَعَتْ  
 بِهِ نَفْحَاتُ الرُّوحِ بَانَ لَا تُخَيِّبُنِي عَمَّا قَدَرْتَهُ  
 لِلْمُقَرَّبِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَالْمُخْلِصِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ  
 إِنَّكَ أَنْتَ الَّذِي شَهِدْتَ بِقُدْرَتِكَ الْكَائِنَاتُ  
 وَبِعِظَمَتِكَ الْمُمْكِنَاتُ لَا يَمْنَعُكَ مَانِعٌ وَلَا يَحْجُبُكَ  
 شَيْءٌ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ الْقَدِيرُ لَكَ الْحَمْدُ يَا

اللَّهُ وَلَكَ الشُّكْرُ يَا مَقْصُودِي أَسْأَلُكَ أَنْ تَكُنَّ  
 غَافِلًا هَدِيَّتِي إِلَى صِرَاطِكَ وَكُنْتَ جَاهِلًا  
 عَلِمْتَنِي طَرِيقَ مَرْضَاتِكَ وَكُنْتَ رَاقِدًا أَيْقَظْتَنِي  
 لِذِكْرِكَ وَتَنَاثُرِكَ يَا اللَّهُ وَيَغِيثِي وَرَجَاؤِي  
 وَهَيْزَلِي عَبْدُكَ هَذَا اعْتَرَفَ بِعِجْزِهِ وَفَقْرِهِ وَ  
 جَهْلِيَّتِهِ وَخَطِيئَاتِهِ وَغَفْلَتِهِ وَجَهْلِهِ أَسْأَلُكَ  
 بِاسْمِكَ الْمَهِيمِ عَلَى الْأَسْمَاءِ وَبِأَمْوَاجِ بَحْرِ  
 رَحْمَتِكَ يَا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَكِتَابِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي  
 هَدَيْتَ بِهِ الْأُمَّةَ وَأَخْبَرْتَ فِيهِ عِبَادَكَ بِالْقِيَامَةِ  
 وَظَهْرَاتِهَا وَبِالسَّاعَةِ وَأَشْرَاطِهَا وَجَعَلْتَهُ



مُبَشِّرًا لَا وِلْيَاءَ لَكَ وَمُنْذِرًا لِأَعْدَائِكَ بِأَن تَجْمَعَنَّ  
 فِي كُلِّ الْاِحْوَالِ صَابِرًا فِي بَلَائِكَ وَنَاطِرًا  
 إِلَى أَفْقِ فَضْلِكَ وَمَتَمِّسِكًا بِحَبْلِ طَاعَتِكَ وَعَامِلًا  
 بِمَا أَمَرْتَنِي بِهِ فِي كِتَابِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ  
 الْكَرِيمُ وَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَيْ رَبِّ  
 صَلِّ عَلَى سَيِّدِ يَثْرِبِ وَالْبَيْطْحَاءِ وَعَلَى آلِهِ  
 وَأَصْحَابِهِ الَّذِينَ مَا مِنْهُمْ نَشِيءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ  
 مِنْ نَصْرَةِ أَمْرِكَ يَا مَنْ فِي قَبْضَتِكَ زَمَانُ  
 الْإِنْسَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ .

\* ٢٧ \* وَقُلْ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَمُحْوُ الْعَصِيانَ  
 بِالْغُفْرَانِ وَتَبْدِلُ النِّقْمَةَ بِالرَّحْمَةِ وَتَدْخِلُ  
 الْمَذْنُوبِينَ فِي سِرَادِقِ عَفْوِكَ الْجَمِيلِ بِأَن لَا  
 تَدْعُنِي بِنَفْسِي فِي أَقْلٍ مِنْ آتٍ وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي  
 حَبْلَ عِنَايَتِكَ وَلَا تَمْنَعْنِي مِنْ عِرْفَانِ جَمَالِكَ فِي  
 قِيَامَةِ الْآخِرَى وَلَا تَبْعِدْنِي عَنْ لِقَائِهِ فِي يَوْمِ  
 الَّذِي فِيهِ تَشِيخُصُ الْأَبْصَارَ وَتَذْهَلُ عَقُولُ الْعُقَلَاءِ  
 وَتَنْزِلُ أَقْدَامُ السَّارِفِينَ فِيهَا إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي  
 كُنْتَ سُلْطَانَ الْمُمْكِنَاتِ وَمُوجِدَهُمْ وَمَلِيكَ



الموجودات وجامعهم وانك انت الذي سبقت  
رحمتك كل شئ وحنانتك كل من في السموات  
والارض وانك انت القادر المقدر السلطان  
العزیز الحكيم اذا قد لذت يا الهی بسلطنتك  
واقترارك وعدت بفضلک وافضالك لا تحرمني  
من رحمتك واکرامك ولا تبعدني عن رضوان  
حكيم وذكرك وانك انت المقدر العزیز وعلی  
عبادک قفور رحيم .

\* ٢٨ \* الهی الهی

ترانی قائما لدى باب هفوک وعطائك و

طلب عرفه  
توضیح

ناظرا الى آفاق مواهبك والطائف اسالك  
بندائك الاحلى وصرير قلمك يامولى الورى  
ان توفق عبادك على ما ينبغى لا يامك ووليقي  
لظهورك وسلطانك انك انت المقدر على ما  
تشاء يشهد بقوتك واقترارك وعظمتك و  
عطائك من في السموات والارضين الحمد لك  
يا اله العالمين ومحبوب افئده العارفين ترى  
يا الهی كينونة الفقر ارادت بحر عنائك وحقية  
المصيان فرات مغفرتك وعطائك قدر يا الهی  
ما ينبغى لعظمتك ووليقي لسما فضلک انك



انت الفضال الفياض الابر الحكيم لا اله الا  
انت القوى الخالب القدير .

\* ٢٨ \* اي رب استغفرك بلسان و

قلبي ونفسي وفؤادي وروحي وجسدي و

جسمي وعظمي ودمي وجلدي وانك انت

التواب الرحيم واستغفرك يا الهي باستغفار

الذي به تهب روائح الغفران على اهل

العصيان وبه تلبس المذنبين من رداء عفوك

الجميل واستغفرك يا سلطان استغفار

الذي به يظهر سلطان عفوك وحنانتك وبه

طلب  
غفران

يستشرق شمس الجود والافضال على هيكل

المذنبين واستغفرك يا فاسري وموجدي

باستغفار الذي به يسر من الخاطئون الي

شطر عفوك واحسانك ويقومن المرشدون

لدي باب رحمتك الرحمن الرحيم واستغفرك

يا سيدي باستغفار الذي جعلته نارا لتحرق

كل الذنوب والعصيان عن كل تائب راجع

نادم باكي سليم وبه يطهر اجساد المكينات

من كدورات الذنوب والاثام وعن كل ما يكرهه

نفسك العزيز العليم .



عقرا  
بدر ومار

\* ٣٠ \* اى رب لك الحمد بما انزلت  
 على من سما جودك ما يظهر به العالمين  
 اى رب لك الشكر بما اشرقت على من انوار  
 شمس وجهك الذى باسراق منه خلق الكونين  
 اى رب لك الحمد على بديح عطايك وجميل  
 مواهبك واسالك بجمالك الاعلى فى هذا  
 القميص الدرى المبارك الا بهى بان تقطعنى  
 من كل ذكر دون ذكرك وعن كل ثناء دون  
 ثنائك ثم الهمنى بما يقومنى على رضائتك و  
 يمنحنى عن التوجه الى العالمين اى رب

انا الذى قد فرطت فى جنبك هب لى بسطان  
 هنائتك ولا تدعنى بنفسى اقل من حين اى  
 رب لا تطردنى من باب عز صمدانيتك وفتيا  
 قد من رحمانيتك ثم انزل على ما هو محبوب  
 عندك لانك انت المقتدر على ما تشاء وانهمك  
 انت العزيز الكريم اى رب فارسل على نسايم  
 الغفران من شطرا اسمك السبحان ثم  
 اصعدنى الى قطب الرضوان مقراسمك الرحمن  
 الرحيم ثم اغفر لى ولا يئ ثم التى حملتنى  
 بفضل من عندك ورحمة من لدنك وانك انت



أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَي رَبِّ قَدْرِي مَا تَخْتَارُهُ لِنَفْسِي  
 ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ مِنْ سَمَاءِ فَضْلِكَ مِنْ بَدَائِعِ جُودِكَ  
 وَعِنَايَتِكَ ثُمَّ أَقْضِ مِنْ لَدُنْكَ حَوَائِجِي وَأَلِّكْ  
 أَنْتَ خَيْرَ مَقْضٍ وَخَيْرَ حَاكِمٍ وَخَيْرَ مَقْدِرٍ وَأَنْتَ  
 أَنْتَ الْفَضْلُ الْقَدِيمُ

**الهَيَسُ الْهَيَسُ**

\* ٣١ \*

أَسْأَلُكَ بِدَمَاءِ مَا نَفَيْكَ الَّذِينَ اجْتَنَدَ بِهِمْ  
 بَيَانِكَ الْإِحْلَى بِحَيْثُ قَصَدُوا الذَّرْوَةَ الْعَلِيَّيَا  
 مَفْرَاةَ الشَّهَادَةِ الْكُبْرَى وَبِالْأَسْرَارِ الْمَكْنُونَةِ فَسِ  
 عِلْمِكَ وَبِالْمَلَائِكِ الْمَخْزُونَةِ فِي بَحْرِ عَطَائِكَ أَنْ

تَغْفِرْ لِي وَلَا يَنْ وَامِنْ وَالْمِكْ أَنْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ أَي رَبِّ تَرَى جَوْهَرَ  
 الْخَطَاةِ أَقْبَلَ إِلَيَّ بِحَرِّ عَطَائِكَ وَالضَّمِيمِ  
 مَلَكُوتِ افْتِدَارِكَ وَالْفَقِيرِ شَمْسِ عِنَايَتِكَ أَي رَبِّ  
 لَا تَغْفِرْهُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَلَا تَمْنَحْهُ مِنْ فَيُوضَاتِ  
 أَيْمَانِكَ وَلَا تَطْرُدْهُ مِنْ بَابِكَ الَّذِي فَتَحْتَهُ عَلَيَّ مِنْ  
 فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ آه آه خَطِيئَاتِي مَنْحَتْنِي  
 مِنْ التَّوْحِيدِ إِلَى بَسَاطَةِ قَدْسِكَ وَجَرِيرَاتِنِي  
 أَبْصَدْتَنِي مِنَ التَّوَجُّهِ إِلَى خِيَابِ مَجْدِكَ قَدْ  
 هَمَلْتَنِي مَا لَهَيْتَنِي عَنْهُ وَتَرَكْتَنِي مَا أَمَرْتَنِي بِهِ

عَفْرَانِي  
 بِرَأْسِ رَأْسِي



اسألك بسلطان الأسماء ان تكتب لي من  
 قلم الفضل والمطامير ما يقربني اليك ويظهرني  
 حسن جبراتي التي حالت بيني وبين فسوك  
 وغفرانك انك انت المقتدر الفياض لا اله الا  
 انت العزيز الفضال

\*۳۶\* الهام عبودا مسجودا

این مشت خاک را از اهتزاز کلمه مبارکه  
 منع منما و از حرارت محبت محروم مسکن از  
 دریا های عالم بر رحمت محیطه ات شاهسند  
 و گواه و آسمانها بر رفعت و عظمت مقرر و معترف

ای دریای کرم قطره بشطرت ترجمه نموده وای  
 آفتاب جود و وجود جودت را طلب کرده هستیست  
 مقدس از دلیل و برهان و استوائت بر عرش  
 منزله از ذکر و بیان رجای افنده و قلوب  
 و ارتفاع ایادی نفوس بر خشمست گواهیست  
 صادق و شاهدیست ناطق چه که اگر کرم نبود  
 دست ارتفاع را نمیا موخت تراب چه و ارتفاع  
 چه ای کرم نیر رحمت از افق هر شئی ظاهر و  
 لجم عطایت از هر منطری ساطع محتاجان بابت  
 عطایت را می طلبند و عشاق رویت لقایست را  
 چون خلق از تو و امید مکنونه قلب از تو  
 سزاوار آنکه امام رجوه اغیار محرمان کویست را



بطراز جدیدی مزین نمائی و با سم بدیعی  
 فائز فرمائی توئی آنکه از اراده ات ارادات  
 عالم ظاهر و از مشیت مشیات ام نافذ رجا از  
 قلوب طالبان قطع نشده و همیشه بود گواه  
 این مقام کلمه مبارکه ( لا تقنطوا ) ای کریم  
 عبادت در بحر نفس و هوی مشاهده میشوند  
 نجات را آمل و بخششهای قدیمت را سائل  
 توئی قادر و توانا و معین و دانا .

\* ۳۳ \* بلسان جان محبوب امکان

راند اکن و بگو

ای خدای من و مالک من و دوست من و  
 محبوب جان و روان من چگونه از هدهه شکر تو

برآیم در بحر قفلمت و نادانی مستغرق بودم  
 لسان فضلت مراند نمود وید عنایتت مرا اخذ  
 کرده ای پروردگار من عقلت من بمقامی رسید که  
 مرا از فرات هذب یقین محروم ساخت و ما صدید  
 ظنون راه نمود از ذکر غافل شدم و تو از من  
 غافل نشدی از حیثت مخموم بودم و نار عنایت  
 تو مشتعل بکدام وجه بتو توجه نمایم و چه  
 لسان ترا بخوانم خجلت و انفعال مرا فرو گرفته  
 و از جمیع جهات مایوس ساخته و لکن ای پروردگار  
 من و مقصود من و مولای من شنیده ام که فرموده  
 امروز روزیست که اگر یکبار نفس از روی صدق  
 ( رب ارنی ) گوید از ملکوت بیان ( انظر ترانی )



استماع نماید و از این کلمه مبارکه هائیه مقام  
 امروز معلوم و واضح است و همچنین فرموده  
 اگر نفس از اول لا اول از جمیع اعمال حسنه  
 محرم مانده باشد الیوم تدارك آن ممکن  
 است چه که دریای غفران در امکان ظاهر و  
 آسمان بخشش مرتفع ستوال میکنم از تو  
 به حرمت این روز مبارک که مصدر و مطلع ایام  
 است مرا برضای خود موفق بداری و بطراز  
 قبول مزین نمائس ای رب انا المسکین و عندک  
 بحر الفناء و انا الجاهل و عندک کنوز العلم  
 و العرفان و انا البعید و انک انت المقرب  
 المتعالی القرب .

هو الناصر المحین  
 \* ۳۴ \* الهه کریمه رحیمه  
 بقو توجه نموده ام و بحبل عنایت متمسکم  
 و بذیل کرمت و تشبیه توئی آن کریمی که یکقطره  
 از دریای غفرانت عصیان عالمیانرا محو نماید  
 و یک کلمه از من عنایتت آب حیوان بر اهل  
 امکان مبدول دارد ای بخشنده یکتا عبادت  
 را محرم منما و از بحر رحمت قسمتی عطا نما  
 و از دریای بیوردت نصیبی مقدر فرما لمن عالم  
 قابل فکرت نه و افنده ام لایق ادراک هستیت  
 نه هستی تو و رای ادراک عقول و فوق عرفان  
 نفوس بوده و هست بکمال عجز و ابتهال بخشش  
 قدیمت را میطلبم و فضل عصمت را میجویم



تو دانا و آگاهس بد کورت زنده ام و بامید لقاییت  
موجود و پاینده آن کن که سزاوار بخشش  
توست نه لایق ذکر و ثنای من لا اله الا انت  
الغفور الکریم الحمد لك انت مقصود

القاصدین •

\* ۳۵ \* کریم رحیم

گواهن میدهم بوحدانیت و فردانیت  
تو و از تو میطلبم آنچه را که بدوام ملک و ملکوت  
باقی و پاینده است توئی مالک ملکوت و سلطان  
قیب و شهود ای پروردگار مسکین بیچار  
غنایت توجه نموده و سائل بنذیل کرمست  
اقبال کرده او را محرم نما توئی آن فضالی

که ذرات کائنات بر فضلت گواهن داده تویی  
آن بخشنده که جمیع ممکنات بر بخششست  
اعتراف نموده این بنده از کل گذشته و بحال  
جود و انذیال کرمت تمسک و تشبیه چسته و در  
جمیع احوال بتو ناظر و ترا شاکر اگر اجابت  
فرمائی محمودی در امر و اگر رد نمائی مطامع  
در حکم تویی آن مقتدری که کل نزد ظهورش  
عاجز و قاصر مشاهده شوند ای کریم این  
عبد را بخود و امگذار تویی قادر و توانا و مالک  
جود و عطا •

\* ۳۶ \* الهی معبود و مسجود

بیک کلمه از کلمات علیا ارض و سما را



خلق فرمودی و بیک قطره از دریای جودت  
 وجود را موجود نمودی توئی مقتدری که قوت  
 و قدرت جبابره ارض و فراعنه بلاد تسرا از  
 اراده منع نموده ای کریم فقیری بیابت توجه  
 نموده و ضعیفی بحبل افتد ارت تمسک جسته  
 از تو کریم قدیمت را میطلبید و عفو جدیدت را  
 سائل و آمل اورا از دریای فضلست محروم منما  
 و از کوثر زندگانی ابدی ممنوع مساز توئی  
 قادر و توانا ای پروردگار ذرات عالم بر عنایت  
 گواهند و بر فضلست مفر و معترف آیا مثل تو  
 غنی مثل منی فقیر را محروم مینماید حاشا و کلا  
 اشهد و يشهد کل الاشياء بانك انت

اکرم الاکرمین و ارحم الراحمین

\* ۳۷ \* بِسْمِ الْمُهَيْمِنِ عَلَيَّ السَّمَاءِ

المهین الهی استلک ببحر شفائک و اشراقات  
 انوار نیر فضلک و بالاسم الذی سخرت به  
 عبادک و یثقون کلمتک العلیا و اقتدار قلمک  
 الاعلی و برحمتک الی سبقت من فی الارض  
 و السماء ان تطهرنی یماء العطاء من کبیر  
 بلاه و سقم و ضعف و عجز ای رب تری السائل  
 قائما لدی باب جودک و الامل متمسکا بحبل  
 کرمک اسالک ان لا تخیبه عمارا له من بحر  
 فضلک و تمسک عنایتک انک انت المقتدر علی  
 ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم

دری شفاء



\* ٣٨ \* هو الشافي الكافي المحيي  
 فسبحانك اللهم يا الهى اسالك باسمك  
 الذى به ارفعت اعلام هدايتك واشرفت انوار  
 عنايتك واظهرت سلطان ربوبيتك وبه ظهر  
 مصباح اسمائك فى منكاة صفاتك وبه طلعت  
 هيكل التوحيد ومظهر التجريد وبه رفع مناهج  
 الهداية وظهر سبل الارادة وبه تزلزلت  
 اركان الضلالة وانهدمت آثار السقاوة وبه  
 تفجرت ينابيع الحكمة وتنزلت مائدة السمائية  
 وبه حفظت عبادك ونزلت نفاثك وبه ظهرت  
 مرحمتك على عبادك ومغفرتك بين خلقك  
 بان تحفظ الذى توسل اليك ورجع عليك

وتمسك برحمتك وتشبهت بذيل مطوفتك  
 ثم انزل عليه شفاء من عندك وسلامة من  
 لدنك وصبرا من جانبك وسكونا من حضرتك  
 اذ انك انت الشافي الحافظ الناصر القادر  
 المقدير المنزه العليم

\* ٣٩ \* لكل واحد ان يقول مقبلا الى

كعبته الله

سبحانك اللهم يا الهى لك الحمد بما  
 لجيتنى من بحر الضلالة والهوى وهديتنى  
 الى صراطك المستقيم ونبيك العظيم وايدتني



عَلَى الْإِقْبَالِ إِذَا عَرَضَ عَنْكَ أَكْثَرَ خَلْقِكَ وَنُورَتْ  
 قُلُوبُ بَنِي مَعْرِفَتِكَ وَوَجْهِي بِضِيَاءِ طَلْعَتِكَ  
 أَي رَبِّ أَمْوَالِكَ بِبِحْرِ جُودِكَ وَسَمَاءِ فَضْلِكَ  
 بَانَ تَكْشِيفَ مِنْ وَجْهِ عِبَادِكَ وَخَلَقَكَ الْحُجُبَاتِ  
 الَّتِي مَنَعَتْهُمْ مِنَ التَّوَجُّهِ إِلَيَّ أَفْئِكَ الْإِهْلِي  
 أَي رَبِّ لَا تُخَيِّبْ عِبَادَكَ عَنْ بَحْرِ آيَاتِكَ وَعِزَّتِكَ  
 لَوْ كَشَفْتَ لَهُمْ كَمَا كَشَفْتَ لِي الْبَيْدَ وَأَمَلِدَهُمْ  
 رَجَاءَ مَا عِنْدَكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَظِيمُ

العلام

بِسْمِ اللَّهِ الْخَافِرِ ٤٠٠

وَلَوْ أَنَّ سَوْءَ حَالِي يَا إِلَهِي اسْتَحَقَّنِي  
 لِسَيِّئَاتِي وَعَذَابِكَ وَلَكِنْ حَسَنَ عَطُوفَتِكَ وَ  
 مَوَاهِبِكَ يَقْتَضِي الْعَفْوَ عَلَى عِبَادِكَ وَالنُّلْفَ  
 عَلَى أَرْقَائِكَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ  
 سُلْطَانَ الْأَسْمَاءِ بَانَ نَحْفَظُنِي بِسُلْطَنَتِكَ  
 وَأَقْتَدِيرِكَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ مَالٍ  
 أَرَادَهُ أَرَادَتِكَ وَإِنَّكَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
 قَدِيرٌ



فصل سوم مناجاتهای که ناشرین نفعات

مناسبست تلاوت نمایند " قوله تعالی "

\* ۱ \* قل سبحانك اللهم يا الهی

استلک باسمک الذی به سطع نور الحکمة

اذ تحرکت افلاک بینه بین البریه بان تجعلنی

مؤیداً بتأییداتک وذاکراً باسمک بین عبادک

ای رب توجهت الیک منقطعاً من سوانیک و

متشبهاً بذیل الطافک فانطقن بما تنجذب

به العقول و تطیر به الارواح و النفوس ثم

قوی فی امرک علی شان لا تمنعنی سطوة

الظالمین من خلقک ولا قدرة المنکرین من اهل

مملکتک فاجعلنی کالسراج فی دیارک لیبتدی

به من کان فی قلبه نور معرفتک وشف محبتک

ایک انت المقدر علی ما تشاء و فی قبضتک

ملکوت الایمان لا اله الا انت العزیز الحکیم

\* ۲ \* قل لک الحمد یا اله الوجود و مالک

الغیب والشهود استلک باسمک الالهی

به فتح باب اللقا علی من فی ملکوت الاسماء

بان تجعلنی فی کل الاحوال مستفیماً علی

امرک و ناظراً الی افقک و ناظراً بذکرک



وَمَنْعَمًا فِي بَحْرِ حَبِكَ وَطَائِرًا فِي هَوَاءِ  
 قُرْبِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الَّذِي لَمْ تَنْزِلْ كُنْتَ مَهِيْمًا عَلَيَّ  
 الْأَنْبِيَاءِ وَمَقْتَدِرًا عَلَيَّ مِنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ  
 يَشْهَدُ ظَاهِرِي وَبَاطِنِي بِعِظَمَتِكَ وَأَقْتَدَارِكَ  
 إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَالِي الْعَزِيزُ الْوَدُودُ

\* ٣ \* قَلْ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ الْوُجُودِ

مِنَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادِ اسْتَلْكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي  
 بِهِ تَزَلْزَلَتِ الْأَرْضُ وَانْفَطَرَتِ السَّمَاءُ وَمَرَّتِ الْجِبَالُ  
 وَأَضْطَرَّتِ الْأَقْطَارُ بَانَ تَوْيْدِنِي عَلَى ذِكْرِكَ  
 وَثَنَاتِكَ عَلَى شَأْنٍ لَا تَمْنَعُنِي حُجُبَاتِ الْبَشَرِ

الَّذِينَ أَرْضَوْا مِنْ مَشْرِقِ وَحْيِكَ وَمَطْلَعِ  
 الْهَامِكِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

\* ٤ \* قَلْ يَا مَنْ بِيَدِكَ زِمَامُ الْكَائِنِيَّاتِ

وَأَزِمَةُ الْمَمْكِنَاتِ اسْتَلْكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي بِسَيِّدِهِ

خَرَقْتَ الْأَحْجَابَ وَأَظْهَرْتَ أَمْرَكَ فِي الْمَنَابِ

بَانَ تَوْيْدِنِي عَلَى تَدَارِكِ مَافَاتِ عَنِّي فَسَيِّ

أَيَّامِكَ ثُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ طَارُوا فَسَيِّ

هَوَائِكَ وَشَرِبُوا كَوْثَرَ الشَّهَادَةِ بِاسْمِكَ وَحَبِيكَ

أَيُّ رَبِّ أَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَقْبَلْتُ إِلَى أَفْقِ فَضْلِكَ

وَالْجَاهِلِ الَّذِي قَصَدْتُ بِحَرِّ عِلْمِكَ اسْتَلْكَ



بَانَ لَا تُخَيِّبُنِي مَعَا عِنْدَكَ أَي رَبِّ وَفَقِنِي عَلَى  
 خَرَقِ حُجَبَاتِ عِبَادِكَ وَخَلِّقْ لَاهِرَهُمْ كِتَابِيكَ  
 الْعَظِيمَ وَصِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمَ وَاذْكُرْهُمْ بِمَا  
 يَقْرَبُهُم إِلَيْكَ وَيَمْنَعُهُمْ مَعَا دُونَكَ إِنَّكَ أَنْتَ  
 الْمُقْتَدِرُ الَّذِي شَهِدَتْ الذَّرَاةُ بِعِظَمَتِكَ  
 وَاقْتِدَارِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ  
 أَي رَبِّ اسْأَلُكَ بِالْقَلَمِ الْأَعْلَى وَبِاسْمِكَ الْأَقْدَسِ  
 الْأَعْظَمِ الْأَمْنَعِ الْعَلِيِّ الْأَبْهَى بَانَ تَغْفِرْ لِي  
 بِجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَتَكْفِرْ عَنِّي سَيِّئَاتِي بِعِنَايَتِكَ  
 وَالطَّافِكِ ثُمَّ اجْعَلْنِي قَائِمًا عَلَى خِدْمَتِكَ وَلَا طَاقًا

بِذِكْرِكَ وَثَنَاتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُتَعَالَى الْغَفُورُ  
 الرَّحِيمُ .

\* ٥٠ \* سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي أَسْأَلُكَ

بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ يَنْفُطِقُ كُلُّ شَيْءٍ بِثَنَاءٍ  
 نَفْسِكَ أَنْ تَفْتَحَ أَبْصَارَ بَرِيَّتِكَ لِيُرَوْا آثَارَ هِرْزِ  
 أَحَدِيَّتِكَ وَتَجْلِيَاتِ نَمِصِّ عِنَايَتِكَ أَي رَبِّ لَا  
 تَدْعُهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ لِأَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلَقْتَ فَاجِدْ بِهِمْ  
 بِالْكَلِمَةِ الْعَلِيَّةِ إِلَى مَطْلَعِ أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ  
 مَخْزَنِ صِفَاتِكَ الْعَلِيَّةِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا  
 نَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَزِينُ الْحَكِيمُ .



\* ۶۶ \* یا محبوبی و مقصودی و غایه آمالی

مشاهده مینمائی این هید فانیرا که بتوسو

توجه نمود و از تو کوثر باقی طلبیده عنایت

فرما آنچه سزاوار بزرگی توست و لایق ایام تو

سئوال میکنم ترا باسم اعظم که حجبات مبحله عبار

را خرق نمائی و یا برحمت را برایشان بنمائی

و مکنشائ نامین را بید شفقت و لطف بیدار

نمائی و غافلین را بندها بنم لطیف آگاه ساز

تا کل بتو توجه کنند و بتواقبال نمایند

ای رب لا تحرمهم من فیوضات محاب رحمتک

و نسائم ربيع الفضل في ايامك اسمعنان

رحمتك سبقت لكائنات و عنايتك احاطت من

في الارضين و السموات لا اله الا انت الغفور

الکرم

\* ۷۷ \* الهی الهی اسمعنان

بر حده انیتک و فرد الیتک و بمظمتک و

سلطانک و بقدرتک و اقتدارک و عزتک یا اله

الممکنات و محبود الكائنات احب ان اضع

وجهی علی کل بقعة من بقاع ارضک و علی

کل قطعة من قطعاتها لعله يتشرف بمقام



تَشْرَفُ بِقَدِيمِ أَوْلِيَانِكَ أَي رَبِّ تَسْمَعُ نِدَائِي وَ  
 ضَجِيجِي وَصُرَيْخِي فِي أَيَامِكَ وَتَعْلَمُ بِأَنْسِي  
 أَدْمُ عِبَادِكَ إِلَى النُّورِ وَهُمْ يَدْمُونُ فِي السِّي  
 النَّارِ اسْتَلِكُ أَنْ تُؤَيِّدَ عِبَادَكَ عَلَى الرَّجُوعِ  
 إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةِ لَدَى بَابِ فَضْلِكَ إِنَّكَ أَنْتَ  
 الْمُقَدِّرُ الْعَزِيزُ الرَّهَابُ .

٤٨ \* قُلِ الْهِيَ الْهِيَ لَكَ الْحَمْدُ بِمَا  
 أَنْزَلْتَ آيَاتِكَ وَأَظْهَرْتَ بَهَائِكَ وَنُورَ انْفِصَالِكَ  
 الْمُقَرَّبِينَ بِنُورِ مِرْقَانِكَ وَالْمُخْلِصِينَ بِضِيَاءِ  
 بَيَانِكَ اسْتَلِكُ بِبِحْرِ فَضْلِكَ وَسَمَاءِ جُودِكَ

وَمَا كَانَ مَحْزُونًا فِي عِلْمِكَ وَكَثْرَتَنَا فِي كُنْزِ  
 عِصْمَتِكَ وَبِاللَّغَالِي الْمَسْتَهْرَةِ فِي خَزَائِنِ قَلْمِكَ  
 الْأَعْلَى وَبِأَنْوَارِ وَجْهِكَ بِأَمْوَالِ التُّورِيِّ وَمَالِكَ  
 الْعَرْشِ وَالثَّرَى أَنْ تُؤَيِّدَ الْمُعْرِضِينَ عَلَى  
 الْأَقْبَالِ وَالْمُنْكَرِينَ عَلَى الْأَقْوَارِ وَالْغَافِلِينَ  
 عَلَى الرَّجُوعِ إِلَى مَطَرِ رَحْمَتِكَ وَالْإِنَابَةَ لَدَى  
 بَابِ عَفْوِكَ وَغَفْرَانِكَ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الْغَفَّارُ  
 الْفَضَالُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ .



\* ٩٦ \* سُبْحَانَكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِ وَمَقْصُودِ  
 الْأُمَمِ وَالظَّاهِرِ بِالْأَسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ  
 أَظْهَرْتَ لِنَائِلِ الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ مِنْ أَصْدَانِ  
 عَمَانِ عِلْمِكَ وَزِينَتِ سَمَوَاتِ الْأَدْيَانِ بِأَنْوَارِ ظُهُورِ  
 شَمْسِ طَلْعَتِكَ اسْتَلْكَ بِالْكَلِمَةِ الَّتِي بِهَا تَمَّتْ  
 حُجَّتُكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَبِرَهْمَانِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ أَنْ  
 تُؤَيِّدَ حَزْبَكَ عَلَى مَا يَسْتَضِي بِهِنَّ وَجْهَ الْأَمْرِ فِي  
 مَمْلَكَتِكَ وَتَنْصِبَ رَايَاتِ قُدْرَتِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ وَ  
 أَعْلَامِ هِدَايَتِكَ فِي دِيَارِكَ أَيُّ رَبِّ تَرَاهُمْ  
 مُمْسِكِينَ بِحَبْلِ فَضْلِكَ وَمُتَشَبِّهِينَ بِأَذْيَالِ

رِداهُ كَرَمِكَ قَدْرَ لَهُمْ مَا يُقْرَبُ إِلَيْكَ وَمَنْصَبِهِمْ  
 مِنْ دُونِكَ اسْتَلْكَ بِأَمَالِكِ الْوُجُودِ وَالْمُهَيْمِينَ  
 عَلَى الْغَيْبِ وَالشَّهَادِ أَنْ تَجْمَلَ مِنْ قَامِ عَلَى  
 خِدْمَةِ أَمْرِكَ بِحَرَا مَوَابِعَا بِأَرَادَتِكَ وَمَشْتَعِلَا  
 بِنَارِ سِدْرَتِكَ وَمَشْرِقَا مِنْ أَفْقِ سَمَاءِ مَشِينَتِكَ  
 أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الَّذِي لَا يَعْجِزُكَ أَقْدَارُ  
 الْعَالَمِ وَلَا قُوَّةُ الْأُمَمِ لِإِلَهِ الْإِلَاطِ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ  
 الْمُهَيْمِنِ الْقَيُّمِ

\* ١٠٠ \* قُلِ الْإِلَهُ الْإِلَهُ تَرَى إِقْبَالَسِ  
 وَتَمَسْكِي وَتَوَجَّهِي وَتَشْبِثِي اسْتَلْكَ



بصروتك الوثق واذ يال ردا عنيتك يا  
 مولى الورى وبنور امرك الذى به اشرفت  
 الارض والسما ان تجعلنى فى كل الاحيان  
 مقبلا الى افقك وناطقا بثنائك ومبلغا امرك  
 بالحكمة والبيان انك انت العزيز المنان  
 اى رب نور افئدة عبادك بنور معرفتك ثم  
 افتح ابواب قلوبهم بمفاتيح جودك وعطائك  
 اى رب تربهم هادمين فى هوا الحيرة  
 والضلال خلمهم باسمك القدير وانقذهم  
 باسمك القوى ثم انصرهم يا الهى بآياتك و

بيناتك وعرفهم سبيلك وعلّمهم ما يرفصهم الى  
 سما عزك وقبولك انك انت المقدر الذى  
 لا تمنعك حجبات المعتدين ولا امراض المعر  
 ولا شماتة المتسمتين انك انت العلیم الحكيم  
 \* ۱۱ \* قل استغنىك ياربى المنان بامرک  
 المهيم على الامکان وباشراقات النور  
 شمس ظهورك ولثانى بحر توحيدك ان  
 تجعلنى لناطقا بذكرك ومتمسكا بحبلك بحيث لا  
 تمنعنى فراغته انبلاذ ولا جبايرة العباد ثم اظهر  
 يا الهى من عبدك هذا ما يبقى عرفه بـ دوام







وَفَرَدَانِيَّتِكَ وَمَتَمَسِكًا بِمَا أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَي  
 رَبِّ تَرَى عِبْرَاتٍ هَيْلِي فِي فِرَاقِكَ وَزَفْرَاتِي فِي بَعْدِي  
 هُنَّ جَوَارِكٌ لَمْ أَدْرِ بِمَا مَقْصُودِي وَمَحْبُوبِي مَا قَدَرْتُ  
 لِي مِنْ قَلْبِكَ الْإِهْلَى الَّذِي بِحِرْكَتِهِ سَخَّرْتَ  
 الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ هَلْ قَدَرْتُ لِي الْحُضُورَ أَدَامًا  
 وَبِنَهْكَ وَالْقِيَامَ لَدَى بَابِ عِظَمَتِكَ وَهَلْ مَنَعْنِي  
 مِنْ ذَلِكَ أَمْرُكَ الْمُبْرَمُ وَقَضَائِكَ الْمَحْكَمُ اسْتَلْسَلْتُكَ  
 يَا مَالِكَ الْوُجُودِ وَمِنْ الْغَيْبِ وَالشَّهَادِ بِأَمْرِكَ  
 الَّذِي بِهِ جَرَّتِ الْأَنْهَارُ وَانْمَرَّتِ الْأَشْجَارُ وَمَا جَتِ  
 الْبِحَارُ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ نَاطِقًا

بِذِكْرِكَ وَثَابِتًا عَلَى أَمْرِكَ عَلَى شَيْءٍ تَرْتَعِدُ بِهِ  
 فَرَائِصُ أَعْدَائِكَ وَتَضْطَرِبُ افْتِدَاةُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
 بِكَ وَبِآيَاتِكَ أَي رَبِّ تَرَانِي مَقْبَلًا إِلَيْكَ فِي كُلِّ  
 الْأَحْوَالِ وَمَتَمَسِكًا بِحَبْلِ عَطَائِكَ اسْتَلْسَلْتُكَ  
 بِبِنْفَحَاتِ وَحْيِكَ أَنْ تُؤَيِّدَ عِبَادَكَ عَلَى الْإِعْتِرَافِ  
 بِمَا أَنْزَلْتَهُ مِنْ سَمَاءِ جُودِكَ وَجَرَى مِنْ قَلَمِ  
 فَضْلِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ الَّذِي نَسَبْتَ بِقُدْرَتِكَ  
 الْكَائِنَاتِ وَسُلْطَانِكَ الْمَكِينَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 الْقَوِيُّ الْمَلِيمُ الْحَكِيمُ



(۱۴) قُلْ سَبِّحَانِكَ يَا مُؤَلَّى الْأَسْمَاءِ  
 وَفَاطِرِ السَّمَاءِ أَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَفَرْدَانِيَّتِكَ  
 وَعَظَمَتِكَ وَأَقْتِدَارِكَ أَسْأَلُكَ بِسِرَاجِ أَمْرِكَ  
 الَّذِي بِهِ نُوِّرْتَ الْعَالَمَ وَيَأْسُكَ الْأَعْظَمَ  
 الَّذِي بِهِ هَدَيْتَ الْأُمَّةَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي كُلِّ  
 الْأَحْوَالِ نَاطِقًا بِثَنَائِكَ وَقَائِمًا عَلَى خِدْمَةِ  
 أَوْلِيَائِكَ وَمُتَمَسِّكًا بِحَبْلِكَ أَيُّ رَبِّ تُدْرِي أَقْبَالِي  
 إِلَى أَفْقِكَ وَتَوَجُّهِي إِلَى أَنْوَارِ وَجْهِكَ الَّذِينَ  
 مَانَعْتَهُمْ سَيْفُ الْأَعْدَاءِ عَنِ الْأَقْبَالِ إِلَّا سِي

أَفْقِكَ الْأَعْلَى وَلَا ضَوْءُ الْعُلَمَاءِ عَنْ ذِكْرِكَ يَا  
 مَالِكَ الْعَرْشِ وَالْثَرَى وَرَبَّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى أَيُّ  
 رَبِّ تُدْرِي الْعَاصِي أَرَادَ بِحَرِّ غَفْرَانِكَ وَعَفْسُوكَ  
 أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ الَّذِي أَحَاطَ عَلَى الْعَالَمِ أَنْ  
 تَغْفِرَ جُرْأَتِي وَخَطِيئَاتِي وَقَدِّرْ لِي مَا يَجْعَلُنِي  
 مُسْتَقِيمًا عَلَى أَمْرِكَ بِحَيْثُ لَا يَمْنَعُنِي ظُلْمُ  
 الْمُعْتَدِينَ وَلَا شِبْهَاتُ الْمُرْبِيِّينَ وَلَا إِشَارَاتُ  
 الَّذِينَ كَفَرُوا بَيْنَ الَّذِينَ أَيُّ رَبِّ لَا تَمْنَعُنِي عَمَّا  
 أَرَدْتُ مِنْ سَمَاءِ فَضْلِكَ نُورًا كَانِي بِجُودِكَ

وَرَحْمَتِكَ وَقَلْبِي بِأَنْوَارِ نَبِيِّ ظُهُورِكَ



انك انت المقتدر على ما نلنا لا اله الا انت  
الففور الكريم

فصل جهار مناجاتهاى مخصوص امسا  
الرحمن قوله تعالى

\* ١ \* اذكركى ربك وقولى لك الثناء

يا مولى الامعاء ولك البها يا مالِك  
العطاء بما هديتنى الى صراطك ورفقتنى  
مشرق آياتك ومطلع بيناتك وسقيتني كونسر  
حبك بايادي فضلك استلك ان تكتب لى من  
قلبك الاعلى ما كتبت لى مالك اللانى تسكن

بعمرة احكامك وبحبل اوامرك انك الذى  
شهد بقدرتك لسان العظمة لا اله الا انت  
المقتدر المهيمن على ما كان وما يكون انا لله  
وانا اليه راجعون

مختصرها

\* ٢ \* قولى اللى اللى اودعت فى يدي

امانة من عندك واخذتها بارادتك ليس  
لامتك هذه ان تقول لى وم لا لك محمود فى  
فعلك ومطاع فى امرك اى رب ان امك هذه  
متوجهة الى فضلك وعطائك قدر لها ما يقربها  
اليك ويخلصها من كل عالم من قوالمك انك انت



الصفور الكريم لا اله الا انت الابرار القديم صل  
 اللهم يا الهى على الذين شربوا رحيق حبك  
 امام الوجوه رغما لامدائك واقروا واعتسرفوا  
 بوحدانيتك وفردانيتك وبما ارتعدت به  
 فرائص جبابرة خلقك وفراغنة بلادك اشهد  
 ان سلطانك لا يفنى وارادتك لا تتغير قدر  
 للذين اقبلوا اليك ولا مائك اللانس تمسكن  
 بحبلك ما ينبض لبحر كرمك وسما فضلك  
 انت الذى يا الهى وصفت نفسك بالفناء و  
 عبادك بالفقر يقولك يا ايها الذين آمنوا انتم الفقراء

الى الله والله هو الغنى الحميد فلما اعترفت  
 بفقرى وغنائك ينبض ان لا تجعلنى محروما  
 منه انك انت المهيمن الحليم الحكيم  
 هو الشافى \* ٣ \*

فسبحانك اللهم يا الهى اسالك باسمك  
 الذى به استقر جمالك على عرش امرك وباسمك  
 الذى به تبدل كل شئ ويحشر كل شئ و  
 تسئل من كل شئ وتجزى كل شئ وتحفظ  
 كل شئ وترزق كل شئ بان تحفظ

نصره



هَذِهِ الْأُمَّةَ الَّتِي لَا ذَاتَ لِحَنَابِكَ وَالتَّجَسَّاتِ  
بِمَظْهَرِ نَفْسِكَ وَتَوَكَّلْتَ بِذَاتِكَ فَيَا إِلَهِي هَذِهِ  
مَرِيضٌ اسْتَظَلَّتْ فِي ظِلِّ شَجَرَةِ شِفَائِكَ وَفَلَيْلٌ  
قَدْ هَرَبَتْ إِلَى مَدِينِ حِرَاسَتِكَ وَمَسْتَقِيمٌ أَرَادَتْ  
تَسْنِيمَ مَوَاهِبِكَ وَوَجَعَانِ سَرِهَتْ إِلَى مَنْبَعِ  
سَكِينَتِكَ وَعَاصٍ تَوَجَّهَتْ إِلَى شَطْرِ عِقَابِكَ  
إِذَا يَا إِلَهِي وَمُحِبُّوسٍ فَالْبَيْسَاءِ بِسُلْطَانِ  
هِنَائِكَ قَمِيصَ بَرْدِكَ وَشِفَائِكَ ثُمَّ اشْرَبَهَا  
مِنْ كَأْسِ رَحْمَتِكَ وَالطَّافِكَ ثُمَّ أَحْفَظْهَا مِنْ كُلِّ  
دَاءٍ وَسَقَمٍ وَوَجَعٍ وَعِلَّةٍ وَعَنْ كُلِّ مَا يَكْرَهُ سَعْسَعَةُ

رِضَاؤِكَ وَإِنَّكَ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ مَا سِوَاكَ وَإِنَّكَ  
أَنْتَ الشَّافِي الْكَافِي الْحَافِظُ الْخَفِيُّ الرَّحِيمُ

﴿ ٤ ﴾ إِلَهَا مَعْبُودًا مَلَكًا مَلِكُ الْمَلُوكِ

از تو میطلبم تائید فرمائی و توفیق عطا کنی

تا بآنچه سزاوار ایام توست عمل نمایم و قایل

جود و کرم توست مشغول گردم ای کریم قافلورا

ببهر آگاهی راه نما و کنیزانت را بانوار اسمت

منور فرما و باعمال طیبه طاهره و اخلاق مرضیه

مؤید دار لک الحمد و الثناء و لک الفضل و

العصا ابن نمله فانیه را بمرادق عرفانت



راه نمودی و در ظل خبا مجدت ماوی دادی  
توئی بخشنده و توانا و دانا و بینا

\* ۵ \*  
الها معبودا مقصودا

فقیری از فقرا قصد بحر عطانموده و جاهلی  
از جهلا بتجلیات آفتاب علمت توجه کرده  
سئوال میکنم ترا بد مائیکه در راه تو در ایران  
ریخته شد و بنفوسیکه مطوت ظالمین و ظلم  
مشرکین ایشانرا از توجه بتمنع نرسود و از  
تقرب باز نداشت اینک کنیز خود را از لعاق  
ناعقین و تشبهات مریدین حفظ فرمائی و در ظل

امای

قیاب اسم کریمت ماوی دهی توئی قادر بر کل  
و مهیمن بر کل اشهد و تشهد الا شیا کلهما  
بائک انت المقتدر القدير

\* ۶ \*  
بگر ای انه من و محبوب من

امای

وسید من و سئد من و مقصود من  
شهادت میدهد جان و روان و لسان باینکه  
واحد بوده و شبیه و مثل برای تو نبوده و نخواهد  
بود جمیع السن از وصفت عاجز و جمیع قلوب از  
عرفانت قاصر بوده و خواهد بود ای پروردگار  
من جزو فقر و فنا ی کنیز خود را من شاه شده



مینمائی این سائلی است اراده باب تو نموده  
 و فقیری است قصد دریای غنای تو کرده -  
 سنوال مینمایم ترا بدریای بخشش تو و آفتاب  
 عنایت و سما فضل تو که مقدر فرمائی از قلم اهل  
 از برای این امه خود آنچه سزاوار بزرگی توست  
 \* ۲ \* بسمه المهیمن القیوم

ای کنیز من باین بیان که از مشرق نم  
 رحمن اشراق نموده لاطق باش (۱۵۲)  
 ای پروردگار من و یکتا خداوند بیمانند من  
 شهادت بیده هم بیکنائی تو و باینکه از برای تو

امام

وزیر و معین نبوده و نیست لم یزل یکتا  
 بوده و لایزال خواهی بود ای خدای من و  
 محبوب جان من امروز روزیست که فرات رحمت  
 جاری و آفتاب گرم مشرق و سما عنایت مرتفع  
 است قسم میدهم ترا باسم ستارت که آنچه  
 بغیر رضای تو عمل شده ستر فرمائی و باسم  
 غفورت از ما درگذری و بخلع غفران عباد و اما  
 خود را مزین داری ای محبوب من و مقصود  
 من مشاهده مینمائی کنیز خود را که بتوجه  
 نموده و بنا بر محبتت مشتعل گشته و به بس  
 نیازی تو تمسک جسته و دستهای رجا را  
 بشطر تو بلند نموده عطا فرما آنچه را که



مزاوار تو است ای پروردگار من در این روز  
 مبارک کنیزان خود را محرم مفرما و از قلم  
 اعلیٰ اجر لقا از برای کل ثبت نما توئی مقتدر  
 و توانا و توئی بینا و دانا •

بحمد الله ومنه تعالیٰ شانه

جلد اول از کار المقربین "حاروی مناجاتهای  
 صادره از کتب اطهر جمال قدم جل جلاله"  
 به پایان رسید

"جلد دوم و سوم مراجعه فرمائید"

معانی مصطلحه فارسی لغات مشکله مندرجه  
 در ضمن مناجاتهای مبارکه نازل از قلم جمال  
 قدم جل جلاله که بقوتیب حروف هجا تنظیم  
 گردیده است •

ردیف الف

آمل - آرزومند

آثام - گناهها

آنس - همدم باش

ابهجنی - مسرور دار مرا

ابتهال - تضرع وزاری

ابحر الغفره - دریا های آمرزش و غفران



انعت - میوه داد

اخلعنی - بیوشان بمن لباس تازه . . . .

ادمانا - ملازم - پابرجا

اذیال - دامن ها

ارقائك - بندگان تو

اربتنی - نمایاندی بمن - نشان دادی بمن

ارجلنا - پاهای مارا

اریکه - تخت - سریر

ازمه - زمام ها

ازل - برطرف کن - زائل فرما

استظلت - در سایه تو درآمد

اسمعتنی - شنواندی مرا - بگوش من

رسانیدی

استوطن - اقامت گزیده - وطن گرفته

اشربنا - بیاشامان مارا - بنوشان بما

اصددنی - بالا ببر مرا

اصفا - شنیدن

اطودها - محکمترا آنها - شدیدتر آنها

افتساف - ظلم و ستم

افسسنی - قوطه در ساز مرا - فرو ببر مرا

اکباد - جگرها

السن - زبانها

اللائس - آن زنبهائی که . . .

امالك - کنیزان تو

امطار - باران ها



انار - روشن شده

انفطرت - شکافته شد

اهل مدینه اسما - خلق جهان - مردم دنیا

اودعت - بامانت گذاشتی

ایقظتن - بیدار کردی مرا

ردیف ب

یاسا - سختی - مشقت

یاسرها - کمالا - تماما - جمیع آن

باکی - گریان

بتر - چاه

بذل - بخشش

بشطرت - بطرف تو - بساحت تو

بطحا - مکه

بغیثی - مطلوب من - مقصود من

ردیف ت

بن - واضح شود - آشکار کرده شود

ضوع - بویش منتشر شود - بوی خوش دهد

تدارک - بازیافت - دریافت

تذهل - ففلت میکند - فراموش میکند

ترتعد - میلرزد

تزل - میلغزد

تسلیم - چشمه ایست در بهشت - آب کوارا

تشخص - خیره میشود

تضوعات - بویهای خوش



شفقت - جاری شود - جریان یافته

تلبس - میپوشاند - ملبس میسازد

تلطف - مهربانی

تهب - میوزد

ردیف ث

ثدی - پستان

ثری - خاک - زمین

ثعبان - اژدها

ردیف ج

جبابره - ستمکاران

جذبان - مجذوب

جذوه - شعله آتش

جلود - لشکرها

ردیف ح

حامد - شکرگذار

حالت - مانع شد - حائل شد

حائنا وکلا - هرگز نه چنین است -

هرگز - اهدا

حبال - ریسمانها

حراست - محافظت کردن

حفیف - صدای برگ درخت هنگام وزیدن باد

ردیف خ

خرق - پاره کردن

خریر - صدای جریان آب



خلع فقوان - لها مهبای تازه آمرزش

خبروتك - بنیادگان نيك تو - پرگزینگان تو

ردیف د

دالی - هست - حقیر - بیعقدار - نزدیک

دموع - انگه

ردیف ز

دشاب - گرگها

ذروه - مقام بلند

ذی درایه - عاقل - چیزفهم

ذهل - دامن

ردیف ر

راکها - روان - درحال دوییدن

راجس - امیدوار - آرزومند

راقد - خوابیده

رب ارنس - خدایا صورت خود را بمن بنما

رحیق - شراب ناب

رخا - وسعت عیش - زندگی راحت

رزایا - مصائب - بلیات

رشحی - قطره کوچکی - ترشحی ( کنایه از

قلت )

ریاش - پرده

ریس - شکی - شبیه

ردیف ز

زفرات - آه ها



زلزال - صافى

زمره - جمعيت - گروه

ردیف س

سارقین - دزدان

سالت البطحاء - رودخانه جارشد ( کنایه

از ظهور حضرت رسول ص در مکه )

سارع - ستابان

سحاب - ابر

سد - بستن - مانعت

سرادق - سراپرده

سراسر - قلب مطمئن

سطح - درخشید

سفائن - کشتی ها

سکران - مست

سکینتک - اطمینان تو

سم الردی - زهر کشنده - سم سم لک

مئادس - پارچه های ابریشمی قیمتی

سواط - تازیانه ها

ردیف ش

سماطی - ساحل - کنار

سبح - سیر شدن از طعام

شطر - طرف - جهت

شغف - شدت محبت - دوستی فوق العاده



ردیف ص

صدید - چپ زخم

صبر - صدای قلم در حین نگارش

صریخ - فریاد

ردیف ض

ضرا - سختی - مشقت - بلا

ضجیح - ناله و فغان

ردیف ط

طوبی - خوشایحال

ردیف ظ

ظمان - تشنه

ردیف ع

عاص - گناهکار

عبرات - اشکها

عذب - گوارا - آب شیرین

عذت - پناه آوردن - پناه دهنده شدن

عرش - تخت - هیكل جسمانی مظهر امرالله

عرف - بوی خوش - راحه

عرفم - بشناسان بآنها - آگاه کن آنها را

عرتنی - برهنه ساخته مرا

عظمی - استخوان من

علی ماینبضی - چنانچه باید و شاید

عمیم - عمومی - شامل همه



ردیف غ

غدیر - کودال آب

غرس - کاشتن

فیث - باران

ردیف ف

فاطر - آفریدگار - خلق کننده

فاسکنس - پس ساکن سازمرا - بجای بده مرا

فالق الاصباح - پدید آورنده صبحگاهمان

شکافنده صبح ها

فرات - آب کوارا

فرائص - ( فریضه ) محلی است در زیر کف

فادخلنا - پس وارد سازمارا

که هنگام ترسیدن میلرزد

فج - قم مرا برطرف ساز

فرطت فی جنبك - کنایه از نگاه کاروست -

گناه گام

فزع - ترس و وحشت

فضال - بخشنده

قم - دهان

فی هویك - در محبت تو - در عشق تو

ردیف ق

قاصص - دوز

قبضه - پنجه

فرت - روشن شد



ردیف ك

كلیل - عاجز - ناتوان

كثوب - جام ها - لیوان ها

كوثر الحیوان - آب زندگانی

ردیف ل

لاذت - پناه آورده - پناهنده شده

لا تظرنی - دور ساز مرا - مران مرا

لا تدعنی بنفس - مرا بخودم وامگذار

لا قلب - تا بوگردانم

لثالی - مرواریدها

لا زال - پیوسته - همیشه

لا یجزك - عاجز نمیسازد ترا

لا تخیبنا - نا امید و محروم مکن ما را

لا تفتنوا - نا امید و محروم

لاذت - پناهنده شده - پناه آوردم

رندیتانم

ما افر - چقدر گرانمایها و عزیزهاست

ما الذ - چقدر گوارا و لذیذ است

ما ینبغی - آنچه یشاید - آنچه باید و شاید

ما جت - بوج آمد

مبوم - متین و محکم

متشبهت - چنگ زنده - دوست بدامن

مثابه - مثل - مانند

مجدب - کشاننده من - جذب کننده من



محاظون - احاطه شده اند - روشن را گرفته اند

مخمود - خاموش - افسرده - پژمرده

مدین - شهر

مذهن - اقرار کننده

مرضاك - آنچه را تو خواسته و امر کرده

متمتین - نجات کننده گان

مشكات - چراغدهان - جاش که چراغ را در آن

یا بر آن گذارند

مصباح - چراغ

معتمم - چنگ زنده - دست بدامن

مقعد صدق - مقام قرب

مقضى - برآورنده - انجام دهنده

مکنونه - پوشیده ریشمان

منغمس - غوطه ور - فرورفته

مهیمن - غالب - مسلط

ردیف ن

ناعقین - مدعیان باطل - گمراه کنندگان

نائمین - خوابیدگان

نهد - در انداخت - افکند - پرتاب کرد

نله - مورچه

نیر - آفتاب

نیسان - یکی از ماههای سال شمسی رومیست

که فصل باران نافع است قبل از نیسان ماه



آذار و بعد از آن ماه ایازانست

زینف و

وجع - درد

وجمان - مبتلا بدرد

ولهان - حیران - شیفته

ردیف ه

هائمین - مردم حیوان و سرکردان

هاطل - ریش کننده - باران فراوان

هب - بیخوش

هزیز - وزش نسیم که موجب فرح و نشاط شود

ردیف ی

یثرب - مدینه که حضرت رسول ص با آنجا

هجرت فرموده اند

ینایح - چشمه های آب

یلدقلی - میگرد مرا - نیش میزند بمن

ترجمه مصطلحه لغات مشکه پانسان یافت

والحمد لله البهی الابهی

